

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شرحی بر قانون مجازات اسلامی



مؤلف:

دکتر بابک فرہی

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۷

سرشناسه	: فرهی، بابک، ۱۳۵۷ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
	.Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: شرحی بر قانون مجازات اسلامی / مولف بابک فرهی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۲۲-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
موضوع	: مجازات -- ایران
موضوع	: Punishment -- Iran
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ش ۴/ف ۳۷۹۴/ف KM
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	: ۵۱۶۶۵۵۶

نام کتاب	: شرحی بر قانون مجازات اسلامی
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: دکتر بابک فرهی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۷
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۲۲-۳
قیمت	: ۲۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتیراگرترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**  
**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## مقدمه مؤلف

«خوشبخت کسی است که دیگران را به خوشبختی برساند»

خوشبختی و سعادت آرزوی همیشگی بشر است و به تعداد افراد بشر این واژه‌ها تعریف دارند. به نظر بنده یکی از بزرگ‌ترین خوشبختی‌ها وجود علم و امکان آموختن آن می‌باشد و همچنین وجود اساتید بزرگواری که افتخار شاگردی آنها را داشته‌ام از جمله دکتر ایرج گلدوزیان، دکتر حسین آقایی نیا، دکتر جعفر کوشا، دکتر هوشنگ شامبیاتی و به ویژه سرور بزرگوار جناب آقای دکتر علی آزمایش که همواره و همیشه با روی گشاده پاسخگوی پرسش‌های من بودند.

این اساتید گران‌مایه از جمله انسان‌هایی هستند که با پرورش شاگردانی همچو من سعی در انتشار این نیک بختی داشته‌اند و من در اینجا مراتب تشکر و قدردانی خود را محضر ایشان تقدیم می‌کنم. از نظر شکل ظاهری، این کتاب به شیوه معمول کتاب‌های قانون در نظم یا محشا، تدوین یافته است یعنی سعی شده است تا ذیل ماده مربوطه، قوانین مرتبط، آراء وحدت رویه، نظریات مشورتی و نظریات علمای حقوق درج گردد با این حال چند ویژگی در این کتاب وجود دارد که آن را از سایر کتاب‌ها متمایز می‌سازد:

نخست آنکه سعی شده است از تمامی منابع موجود قابل مطابقت، خواه منابع مربوط به زمان قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و خواه منابعی که بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ منتشر شده‌اند، استفاده شود.

دوم: در ارجاع به یک موضوع یا مطلب خاص سعی شده است از نقل به مضمون خودداری شود و حتی‌المقدور تمام متن عیناً و بدون کم و کاست ذکر شود.

سوم: در مواردی که مطلبی بیش از یک منبع داشته، سعی شده است تا تمامی منابع موجود ذکر شود تا در هنگام مراجعه به راحتی قابل استفاده باشد.

چهارم: از اظهار نظر شخصی، جز در مواردی بسیار استثنایی خودداری شده و سعی شده است در تا در هر مورد، حتی در موضوعات مورد اختلاف، با توجه به منابع موجود، به موضوع پرداخته شود.

پنجم: تمامی نظریات مشورتی و آراء وحدت رویه بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در متن کتاب ذکر شده است و آن دسته از نظریاتی نیز که مخصوص قانون مجازات سال ۱۳۷۰ بوده - در صورت قابل استفاده بودن - با اصلاح یعنی ذکر ماده جدید از قانون مجازات سال ۱۳۹۲ در کتاب ذکر شده است.

ششم: در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در تدوین این اثر به من یاری رساندند به ویژه دوست عزیز جناب آقای رضازاده که زحمت تصحیح و صفحه‌آرایی کتاب را متقبل شدند و نیز از آقای علیرضا نصیرزاده که در بازخوانی و غلط‌گیری بخشی از کتاب به من کمک کردند، کمال تشکر را داشته باشم.

امیدوارم که تدوین و تألیف این اثر کمکی به ارتقای عدالت نماید.

بابک فرهی

## فهرست

۸	نکته‌ها در قانون مجازات اسلامی.....
۸	کتاب اول: کلیات.....
۸	بخش اول: مواد عمومی.....
۸	فصل اول: تعاریف.....
۲۶	فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان.....
۴۱	فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان.....
۵۰	فصل چهارم: قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری.....
۵۳	بخش دوم: مجازات‌ها.....
۵۳	فصل اول: مجازات‌های اصلی.....
۷۶	فصل دوم: مجازات‌های تکمیلی و تبعی.....
۸۰	آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی.....
۹۷	فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها.....
۱۱۰	فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن.....
۱۳۱	فصل پنجم: تعویق صدور حکم.....
۱۴۳	فصل ششم: تعلیق اجرای مجازات.....
۱۶۹	فصل هفتم: نظام نیمه‌آزادی.....
۱۷۳	فصل هشتم: نظام آزادی مشروط.....
۱۹۳	آیین‌نامه اجرایی بند (و) تبصره (۱۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور.....
۱۹۶	فصل نهم: مجازات‌های جایگزین حبس.....
۲۰۷	آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ ق.م.ا.....
۲۱۸	فصل دهم: مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان.....
۲۳۱	فصل یازدهم: سقوط مجازات.....
۲۳۳	آئین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین.....
۲۳۱	مبحث اول: عفو.....
۲۳۳	فصل اول: تشکیلات.....
۲۳۴	فصل دوم: روش کار.....

۲۳۷	فصل سوم: مناسبت‌های عفو، تخفیف و تبدیل مجازات .....
۲۳۸	فصل چهارم: سیاست‌ها و شرایط عفو، تخفیف و تبدیل مجازات.....
۲۴۳	مبحث دوم: نسخ قانون .....
۲۴۵	مبحث سوم: گذشت شاکی .....
۲۵۴	مبحث چهارم: مرور زمان .....
۲۶۶	مبحث پنجم: توبه مجرم .....
۲۷۴	مبحث ششم: اعمال قاعده درأ .....

### **بخش سوم: جرائم ..... ۲۷۹**

۲۷۹	فصل اول: شروع به جرم .....
۲۹۵	فصل دوم: شرکت در جرم .....
۳۰۴	فصل سوم: معاونت در جرم .....
۳۲۴	فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته.....
۳۳۲	فصل پنجم: تعدد جرم .....
۳۶۱	فصل ششم: تکرار جرم .....

### **بخش چهارم: شرایط و موانع مسؤولیت کیفری..... ۳۷۳**

۳۷۳	فصل اول: شرایط مسؤولیت کیفری .....
۴۰۲	فصل دوم: موانع مسؤولیت کیفری .....

### **کتابنامه..... ۴۷۸**

## نکته‌ها در قانون مجازات اسلامی

### کتاب اول: کلیات

### بخش اول: مواد عمومی

### فصل اول: تعاریف

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسؤولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است.

انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۲)

۱-۴: حقوق جزا یا کیفری، شاخه‌ای از علوم جنایی است که از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارهای انحرافی و ضد اجتماعی، تعیین و اعمال واکنش‌های متناسب اعم از مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی و تدابیر جایگزین کیفر، سعی در مهار پدیده بزهکاری و برقراری و حفظ نظم عمومی، اجرای عدالت، پیشگیری از جرم، ترمیم و جبران زیان‌های ناشی از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین را دارد. (دکتر علی نجفی توانا و ایوب میلیکی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴)

۱-۵: حقوق کیفری علمی است که متکفل بحث از جرم، مجرم و نقش وی در پدیده مجرمانه و مسؤولیت کیفری و شرایط آن و واکنش جامعه در برابر پدیده مجرمانه و اصول محاکمات جزایی است. (دکتر محمدابراهیم شمس ناتری، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۶)

۱-۶: در یک تعریف کلی حقوق جزا به تفسیر و بررسی مجموعه قوانین، مقررات و قواعدی اطلاق می‌شود که نظم عمومی را تأمین می‌کنند. (دکتر رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ ۲۲، ۱۳۸۷، ص ۱۰)

۱- در مورد تعریف حقوق جزا بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد و هر یک تعاریفی را ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۱: مجموعه قواعدی که بر نحوه اجرای مجازات اشخاص از طرف دولت حکومت می‌کند. (دکتر ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۴۸، ۱۳۸۵، ص ۹۵)

۱-۲: حقوق جزا مجموعه قواعدی است که بر واکنش دولت در مقابل اعمال ضد اجتماعی حاکم می‌باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای آن و یا اقدامات تأمینی و تربیتی، از اعمال مزبور پیشگیری و عدالت نسبی و نظم و امنیت برقرار گردد. (دکتر ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۹۵، ص ۲۲)

۱-۳: حقوق جزا، آن رشته از حقوق عمومی است، که با تعریف افعال یا ترک افعالی که موجب اختلال نظم عمومی است و جرم نامیده می‌شود و با تعیین واکنش‌های قانونی برای هر یک از این افعال سعی می‌نماید که از وقوع جرائم جلوگیری نماید و در صورت تحقق جرم، میزان مسؤولیت مرتکب و نحوه تعقیب و انطباق این واکنش‌ها را با توجه به شخصیت واقعی هر یک از مرتکبین مشخص نموده و بالاخره وسایل اصلاح و تربیت آنان را فراهم نماید. (دکتر مرتضی محسنی، حقوق جزای عمومی، جلد اول،



داخلی است، به این معنی که قواعد آن به مرزهای یک کشور محدود می‌گردد و ناظر بر روابط افراد یک جامعه در محدودهٔ سرزمین واحدی است. (همان)

۳- حقوق جزای داخلی به سه بخش تقسیم می‌شود: حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، آیین دادرسی کیفری (شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۲۷)

۴- حقوق جزای عمومی رشته‌ای از حقوق کیفری است که اصول حاکم بر تحقق جرائم، مسؤلیت کیفری، ضوابط حاکم بر تعیین مجازات‌ها از قبیل تعریف جرم، ارکان تشکیل دهندهٔ جرائم که دربارهٔ همه جرایم مصداق دارد، تعیین اشخاص واجد مسؤلیت، نحوهٔ تحقق مسؤلیت کیفری، موانع مسؤلیت کیفری و کیفیت تعیین مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. (شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۶)

۵- در حقوق کیفری عمومی، موضوعات به‌طور کلی و به صورت عمومی بدون توجه به جرم یا جرایم خاص، مورد مطالعه قرار می‌گیرند... در حقوق کیفری عمومی به دنبال بررسی مفهوم جرم و ارکان تشکیل دهندهٔ آن، مسؤلیت کیفری و شرایط آن، مجازات و صورت‌های مختلف آن و موضوع‌هایی از قبیل، بدون اضافه و قیدی هستیم. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۲۷) به‌طور کلی، شروط تحقق بزه و عناصر جرم (عنصر قانونی، مادی و روانی) در ابواب حقوق کیفری مطالعه می‌شود. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۶۵)

۶- حقوق جزای اختصاصی رشته‌ای از حقوق کیفری است که به بررسی جرایم به‌طور خاص پرداخته و شرایط مسؤلیت کیفری و نوع مجازات و کیفیات مربوط به جرم و مجرم را با اعمال قواعد حقوق جزای عمومی تبیین می‌نماید. (شمس ناتری، همان) ایراد وارد بر این تعریف آن است که شرایط

۱-۷: حقوق کیفری، در یک معنای عام، شاخه‌ای از حقوق عمومی است که به تنظیم روابط دولت و مردم از طریق جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل‌هایی که توسط حکومت تعیین می‌شود، می‌پردازد... (دکتر حسین آقایی جنت‌مکان، حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۵۰)

۱-۸: حقوق‌دانان به گونه‌های مختلفی حقوق کیفری را تعریف کرده‌اند و تفاوت گفته‌آن‌ها، معنا و مفهوم حقوق کیفری را متفاوت نمی‌سازد. بنابراین، حقوق کیفری در معنای عام، بخشی از دانش حقوق است که قواعد و مقررات ناظر بر جرم، مجرم، واکنش‌های قابل اعمال دربارهٔ آن‌ها و زیان‌دیده از جرم را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (دکتر عباس منصورآبادی، حقوق جزای عمومی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۲۶)

۲- از لحاظ جایگاه، حقوق جزا رشته‌ای از حقوق عمومی داخلی است. حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد... پس تمام مقرراتی که مربوط به قوای سه‌گانه و طرز اعمال حاکمیت دولت و سازمان‌های عمومی است از قواعد حقوق عمومی است. (کاتوزیان، پیشین، ص ۸۲) حقوق کیفری رشته‌ای از حقوق عمومی است... حقوق کیفری به تنظیم روابط فرد و دولت می‌پردازد. قطع نظر از اینکه جرم رفتاری برخلاف نظم عمومی به شمار می‌آید، در واقع دولت و تنها دولت است که در سرکوبی رفتارهای برخلاف مصالح اجتماعی صالح شناخته شده است، حتی اگر رفتار مجرمانه به منافع خصوصی افراد زیان وارد آورده و حتی از آنها ضایع شده باشد، استیفای این حق جز با مداخلهٔ دولت یا نمایندگان آنها میسر نیست... (دکتر محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ ۳۱، ۱۳۹۲، ص ۵۴) از سوی دیگر حقوق کیفری رشته‌ای از حقوق

۸-۵: مطالعات حقوق کیفری اختصاصی مبتنی بر مطالعات حقوق کیفری عمومی است و از این حیث حقوق کیفری عمومی به مثابه مقدمه و پیش‌نیاز حقوق کیفری اختصاصی است. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۲۸)

۹-۹- آیین دادرسی کیفری مجموعه قواعد و مقرراتی است که برای کشف جرم، چگونگی دستیابی و تحقیق از مظنونان و متهمان، اقامه دعوی عمومی، تعیین مراجع مختلف صلاحیت‌دار کیفری، رسیدگی و صدور آراء کیفری و طرق اعتراض به آنها، بایگانی پرونده، انصراف موقت از تعقیب، صلح و سازش از جمله از طریق توسل به میانجیگری، بیان اختیارات و وظایف مقامات قضایی و به‌ویژه ضابطان دادگستری در طی فرایند کیفری و اجرای احکام کیفری از یک سو و حقوق و آزادی‌های مظنونان، متهمان و محکومان و نیز حقوق شکات، بزه‌دیگان و جامعه، از سوی دیگر وضع شده است. (دکتر محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ ۱۹، بهار ۱۳۹۵، ص ۳۷)

۱۰-۱۰- حقوق کیفری از منظر بین‌الملل نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: حقوق جزای بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری (شمس نائری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۷)

۱۱- مفهوم دو واژه حقوق کیفری بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری هنوز در هاله‌ای از ابهام است و این دو واژه گه‌گاه به‌جای یکدیگر به کار می‌روند. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۲۹)

۱۲-۱۲- حقوق جزای بین‌الملل رشته‌ای از حقوق جزا است که یک عنصر خارجی در آن مطرح باشد. این عنصر اعم است از محل وقوع، مرتکب، مجنی‌علیه یا ارزش‌های مورد حمایت. بدین ترتیب در حقوق جزایی بین‌المللی در واقع مسئله اجرای بین‌المللی حقوق کیفری داخلی مطرح است. (استاد دکتر سید علی آزمایش، زمینه‌های حقوق جزایی بین‌المللی در

مسئولیت کیفری را از موضوعات حقوق جزای اختصاصی قرار داده است در حالی که همان‌گونه که خود نویسنده نیز قبلاً اشاره کرده است (شماره ۴) مسئولیت کیفری و شرایط تحقق آن از موضوعات حقوق جزای عمومی است نه اختصاصی.

۷-۷- حقوق جزای اختصاصی خصوصیات هر جرم را به‌طور خاص بررسی می‌کند یعنی عنصر قانونی، مادی و معنوی هر جرم به‌طور خاص مشخص می‌شود. (دکتر حجت سبزواری نژاد، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۷)

۸-۸- در تفکیک حقوق کیفری عمومی و اختصاصی موارد زیر قابل یادآوری است:

۸-۱: در حقوق کیفری عمومی، جرم خاصی مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد و تنها به عنوان نمونه و مثال به برخی از جرایم اشاره می‌شود. در مقابل در هر بخش از حقوق کیفری اختصاصی یک جرم خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۲: در حقوق کیفری عمومی، قواعد عمومی و کلی مربوط به همه یا بیشتر جرایم مورد بررسی قرار می‌گیرد ولی در حقوق کیفری اختصاصی، مطالعه قواعد خاص مربوط به هر جرم مد نظر است.

۸-۳: مسئولیت کیفری، شرایط و موانع آن، از موضوع‌های انحصاری حقوق کیفری عمومی است و ضرورتی به بررسی آنها در حقوق کیفری اختصاصی نیست مگر آن‌که احکام و شرایط خاصی در این زمینه وجود داشته باشد که ناگزیر باشیم در حقوق کیفری اختصاصی به بررسی آن بپردازیم.

۸-۴: مجازات (به‌طور مطلق و بدون توجه به جرم خاص) و نیز عوامل مؤثر در حذف و یا تغییر آن در حقوق کیفری عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در حقوق کیفری اختصاصی، مجازات یا مجازات‌هایی که برای یک جرم خاص پیش‌بینی شده است، بررسی می‌شود.

برخلاف قوانین جزایی جایز نبوده و باطل است. یعنی طرفین نمی‌توانند توافق نمایند که امری که قانوناً جرم و قابل مجازات است را مرتکب شده و مجازات نشوند. مثلاً مجنی‌علیه نمی‌تواند تعهد کند که دیگری او را به قتل رسانده و قابل مجازات نباشد. ۱۸- منظور از کلی و عام بودن این است که قواعد حقوق جزا- جر در برخی موارد استثنایی مثل مصونیت سیاسی- شامل همه افراد می‌شود.

۱۹- منظور از سرزمینی بودن آن است که قواعد حقوق جزای هر کشور- جز در برخی موارد استثنایی مثل اصل صلاحیت شخصی یا واقعی یا جهانی- محدود به مرزهای همان کشور است و به خارج از آن تسری نمی‌یابد.

۲۰- منظور از شخصی بودن قواعد حقوق جزا آن است که تعقیب امر جزایی و اعمال مجازات فقط نسبت به مجرم صورت می‌گیرد.

۲۱- منابع حقوق جزا به دو دسته اصلی (الزامی، صوری، رسمی، مستقیم) و فرعی (ارشادی، مکمل، غیر رسمی، غیر مستقیم) تقسیم می‌شود. (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۶، گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، بهار ۹۶، ص ۵۷، اردبیلی، جلد ۱ ص ۱۸۶، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۴۲، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۸)

۲۲- منابع اصلی عبارتند از: قانون، آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، معاهدات بین‌المللی. (گلدوزیان، بایسته‌ها، همان، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم همان، منصورآبادی، همان)

قانون‌گذاری ایران، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۵۶، ص ۱۰۱)

۱۳- حقوق بین‌الملل کیفری یا جزایی، رشته‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که جرایم بین‌المللی و صلاحیت مراجع کیفری بین‌المللی برای تعقیب و محاکمه مرتکبین این جرایم را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (دکتر علی خالقی، جستارهایی در حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۶)

۱۴- حقوق کیفری بین‌المللی محل تلاقی دو رشته حقوق کیفری و حقوق بین‌المللی است که در آن، هم مسائل بین‌المللی حقوق کیفری، که به لحاظ وجود یک عنصر خارجی در جرم یا عبور مرتکب از مرز مطرح می‌شود، و هم مسائل کیفری حقوق بین‌الملل، که به لحاظ ارتکاب جرمی از دیدگاه حقوق بین‌الملل مطرح می‌گردد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۳۰)

۱۵- ویژگی‌های حقوق جزا عبارتند از: داشتن ضمانت اجرا، الزامی یا آمره بودن، کلی و عام بودن، شخصی بودن، سرزمینی بودن (گلدوزیان، جزای عمومی، جلد ۱، ص ۲۶، محسنی، جلد ۱، ص ۱۳، سبزواری نژاد، جلد ۱ ص ۵)

۱۶- منظور از داشتن ضمانت اجرا آن است که در قبال تخلف از مقررات حقوق جزا مجازات یا اقدامات تأمینی وجود دارد.

۱۷- منظور از آمره بودن قواعد حقوق جزا آن است که برخلاف قوانین تکمیلی- که افراد می‌توانند برخلاف آنها تراضی کنند- توافق و تراضی

۲۶-۳: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مثل قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

۲۶-۴: مصوبات شورای انقلاب که به عنوان مرجع موقت قانون گذاری در ابتدای پیروزی انقلاب تعدادی لایحه قانونی تصویب کرده است مثل لایحه عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳.

۲۶-۵: مصوبات مجلس شورای ملی یعنی آن دسته از قوانینی که قبل از انقلاب به تصویب رسیده‌اند و هنوز به قوت خود باقی هستند مثل قانون مجازات اخلا لنگران در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴.

۲۷- قانون مجازات اسلامی به عنوان مهم ترین منبع حقوق جزا در حال حاضر متشکل از ۵ کتاب است: ۱- کتاب اول کلیات که از ماده ۱ شروع و به ماده ۲۱۶ ختم می گردد.

۲- کتاب دوم حدود که از ماده ۲۱۷ شروع و به ماده ۲۸۸ ختم می شود.

۳- کتاب سوم قصاص که از ماده ۲۸۹ شروع و به ماده ۴۴۷ ختم می شود.

۴- کتاب چهارم دیات که از ماده ۴۴۸ شروع و به ماده ۷۲۸ ختم می گردد و مجموع این چهار کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تشکیل می دهند.

۵- کتاب پنجم (تعزیرات) که از ماده ۴۹۸ شروع و به ماده ۷۸۳ ختم می شود و قسمت نخست آن مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و قسمت دوم آن یعنی قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ است.

۲۸- از لحاظ تاریخی نخستین قانون مجازات ایران به نام قانون مجازات عمومی در ۱۳۰۴ به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۲ اصلاح شد. بعد از انقلاب نیز در سال ۱۳۶۱ سه قانون به نام‌های قانون راجع به مجازات اسلامی، قانون حدود و قصاص و قانون

۲۳- برخی حقوق دانان، منابع فقهی معتبر را جزء منابع اصلی حقوق جزا بر شمرده‌اند (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۸، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۷، شمس ناتری، ق. م. ا در نظم، ص ۱۸) ولی اکثریت با این نظر مخالفند و منابع فقهی معتبر را جزء منابع فرعی حقوق جزا می دانند. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۶، اردبیلی، جلد ۱، ص ۲۰۱، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱، نجفی توانا و میلکی، جلد ۱، ص ۵۶)

۲۴- بی گمان منابع فقهی را باید در زمره منابع‌های تکمیلی حقوق کیفری ایران به شمار آورد؛ زیرا در حقوق کیفری، همانند دیگر شاخه‌های حقوق، در مواردی که قانون‌ها، با یکدیگر تعارض دارند و یا ابهام و اجمال دارند، ناگزیر باید به تفسیر روی آورد و از این راه کاستی‌های قانون گذاری را از بین برد. یکی از شیوه‌های تفسیری، بازبینی منبع‌هایی است که قانون بر پایه آنها تصویب شده است. هم اکنون بخشی از مقررات کیفری (حدود، قصاص و دیات) اقتباس و ترجمه‌ی متن‌های اسلامی است و برای از بین بردن نارسایی‌ها ناگزیر باید به این متن‌ها رجوع کرد. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱)

۲۵- قانون در معنای عام خود شامل قانون اساسی، قوانین عادی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین‌نامه‌ها و احکام حکومتی مقام رهبری می شود. پس مقصود از معنای عام قانون کلیه مقررات لازم‌الاجرای است که توسط مراجع صالح تصویب شده است. در معنای خاص نیز، قانون صرفاً به مصوبات مجلس یا قوانین تصویب شده از راه همه‌پرسی اطلاق می گردد.

۲۶- قوانین کیفری موجود، در حال حاضر، با توجه به مرجع تصویب کننده به پنج دسته تقسیم می شوند: ۲۶-۱: مصوبات مجلس شورای اسلامی، مثل کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

۲۶-۲: مصوبات کمیسیون‌های مجلس، مثل قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

صورتی که رأی، اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. ۳۰- به موجب ماده ۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است؛ چنانچه مفاد عهدنامه‌های بین‌المللی که بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است متضمن قاعده‌ای از قواعد حقوق کیفری باشد در حکم قوانین داخلی تلقی می‌شود و محاکم ایران را در اجرای آن متعهد می‌سازد... هرگاه به موجب معاهده‌ای دولت ایران بپذیرد که فعل یا ترک فعلی را در قلمرو خود جرم بشناسد و یا بزه‌کارانی را به دولت دیگر مسترد بدارد و یا به‌طور کلی قواعد دیگری را دادرسی کیفری به کار گیرد، معاهده مذکور در زمره مصادر رکن قانونی جرم تلقی می‌شود و دادگاه کیفری را ملزم می‌دارد بر اساس آن حکم صادر کند. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۵)

۳۱- منابع فرعی حقوق جزا عبارتند از: رویه قضایی، عرف، منابع فقهی معتبر، دکترین یا عقیده علمای حقوق. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۲، اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۰)

۳۲- رویه قضایی به مجموع آراء و احکامی که دادگاهها در موضوع خاص صادر می‌کنند اطلاق می‌شود. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۷)

۳۳- آنچه از نظر رویه قضایی دارای نهایت اهمیت است بیان اسباب و جهات رأی و حکم است. در این قسمت دادگاه دلایل ارائه شده را بررسی و ارزشیابی نموده و ضمن مواد قانونی و آنچه را که برای نتیجه‌گیری ضروری است، قید می‌نماید.

دیات تصویب شد که بعداً در سال ۱۳۷۰ این سه قانون با هم ادغام شدند و نام آنها به قانون مجازات اسلامی تغییر یافت. در سال ۱۳۶۲ نیز قانون تعزیرات به تصویب رسید که بعداً در سال ۱۳۷۵ به قانون مجازات اسلامی اضافه شد و نام آن به کتاب پنجم (تعزیرات) تغییر پیدا کرد. قانون مجازات سال ۱۳۷۰ یک قانون آزمایشی بود که در مجموع ۲۲ سال به حیات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ قانون جدید جایگزین آن گردید.

۲۹- دیگر منبع اصلی حقوق جزا آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور است. مستند صدور رأی وحدت رویه ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ است که مقرر می‌دارد:

هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در

(گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۳)

۳۴- عرف، آداب و رسوم مورد قبول اکثریت مردم یک جامعه است که در طول زمان به قدری استمرار یافته که به صورت باور یقینی و الزام‌آور درآمده است.

۳۵- در حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرم و مجازات دادگاهها را مکلف می‌کند که قانون را اساس رسیدگی و صدور حکم قرار دهند. بنابراین، مراجع قضایی و انتظامی نمی‌توانند به استناد عرف، فعل یا ترک فعلی را جرم دانسته و یا کیفری را بر طبق عرف مورد حکم قرار دهند. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۴، اردیلبی، جلد ۱ ص ۲۰۰)

۲۱- منابع حقوق جزا به دو دسته اصلی (الزامی، صوری، رسمی، مستقیم) و فرعی (ارشادی، مکمل، غیر رسمی، غیر مستقیم) تقسیم می‌شود. (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۶، گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، بهار ۹۶، ص ۵۷، اردیلبی، جلد ۱ ص ۱۸۶، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۴۲، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۸)

۲۲- منابع اصلی عبارتند از: قانون، آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، معاهدات بین‌المللی. (گلدوزیان، بایسته‌ها، همان، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم همان، منصورآبادی، همان)

۲۳- برخی حقوق دانان منابع فقهی معتبر را جزء منابع اصلی حقوق جزا برشمرده‌اند (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۸، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۷، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۸) ولی اکثریت با این نظر مخالفند و منابع فقهی معتبر را جزء منابع فرعی حقوق جزا می‌دانند. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۶، اردیلبی، جلد ۱، ص ۲۰۱، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱، نجفی توانا و میلکی، جلد ۱، ص ۵۶)

۲۴- بی‌گمان منابع فقهی را باید در زمره منبع‌های تکمیلی حقوق کیفری ایران به شمار آورد؛ زیرا در

حقوق کیفری، همانند دیگر شاخه‌های حقوق، در مواردی که قانون‌ها، با یکدیگر تعارض دارند و یا ابهام و اجمال دارند، ناگزیر باید به تفسیر روی آورد و از این راه کاستی‌های قانون‌گذاری را از بین برد. یکی از شیوه‌های تفسیری، بازبینی منبع‌هایی است که قانون بر پایه آنها تصویب شده است. هم اکنون بخشی از مقررات کیفری (حدود، قصاص و دیات) اقتباس و ترجمه‌ی متن‌های اسلامی است و برای از بین بردن نارسایی‌ها ناگزیر باید به این متن‌ها رجوع کرد. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱)

۲۵- قانون در معنای عام خود شامل قانون اساسی، قوانین عادی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین‌نامه‌ها و احکام حکومتی مقام رهبری می‌شود. پس مقصود از معنای عام قانون کلیه مقررات لازم‌الاجرای است که توسط مراجع صالح تصویب شده است. در معنای خاص نیز، قانون صرفاً دیات تصویب شد که بعداً در سال ۱۳۷۰ این سه قانون با هم ادغام شدند و نام آنها به قانون مجازات اسلامی تغییر یافت. در سال ۱۳۶۲ نیز قانون تعزیرات به تصویب رسید که بعداً در سال ۱۳۷۵ به قانون مجازات اسلامی اضافه شد و نام آن به کتاب پنجم (تعزیرات) تغییر پیدا کرد. قانون مجازات سال ۱۳۷۰ یک قانون آزمایشی بود که در مجموع ۲۲ سال به حیات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ قانون جدید جایگزین آن گردید.

۲۹- دیگر منبع اصلی حقوق جزا، آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور است.

مستند صدور رأی وحدت رویه ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ است که مقرر می‌دارد: هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی

(اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۵)

۳۱- منابع فرعی حقوق جزا عبارتند از: رویه قضایی، عرف، منابع فقهی معتبر، دکترین یا عقیده علمای حقوق. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۲، اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۰)

۳۲- رویه قضایی به مجموع آراء و احکامی که دادگاهها در موضوع خاص صادر می‌کنند اطلاق می‌شود. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۱۹۷)

۳۳- آنچه از نظر رویه قضایی دارای نهایت اهمیت است بیان اسباب و جهات رأی و حکم است. در این قسمت دادگاه دلایل ارائه‌شده را بررسی و ارزشیابی نموده و ضمن مواد قانونی و آنچه را که برای نتیجه‌گیری ضروری است، قید می‌نماید.

به مصوبات مجلس یا قوانین تصویب شده از راه همه پرسی اطلاق می‌گردد.

۲۶- قوانین کیفری موجود، درحال حاضر با توجه به مرجع تصویب کننده به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۲۶-۱: مصوبات مجلس شورای اسلامی، مثل کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

۲۶-۲: مصوبات کمیسیون‌های مجلس مثل قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۶-۳: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ مثل قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

۲۶-۴: مصوبات شورای انقلاب که به عنوان مرجع موقت قانون‌گذاری در ابتدای پیروزی انقلاب تعدادی لایحه قانونی تصویب کرده است مثل لایحه عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳.

۲۶-۵: مصوبات مجلس شورای ملی یعنی آن دسته از قوانینی که قبل از انقلاب به تصویب رسیده‌اند و هنوز به قوت خود باقی هستند، مثل قانون مجازات اخلاک‌گرا در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴.

دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آرای مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

۳۰- به موجب ماده ۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد:

مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است؛ چنانچه مفاد عهدنامه‌های بین‌المللی که بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است متضمن قاعده‌ای از قواعد حقوق کیفری باشد، در حکم قوانین داخلی تلقی می‌شود و محاکم ایران را در اجرای آن متعهد می‌سازد... هرگاه به موجب معاهده‌ای دولت ایران بپذیرد که فعل یا ترک فعلی را در قلمرو خود جرم بشناسد و یا بزه‌کارانی را به دولت دیگر مسترد بدارد و یا به‌طور کلی قواعد دیگری را دادرسی کیفری به کار گیرد، معاهده مذکور در زمره مصادر رکن قانونی جرم تلقی می‌شود و دادگاه کیفری را ملزم می‌دارد بر اساس آن حکم صادر کند.

بین بردن نارسایی‌ها ناگزیر باید به این متن‌ها رجوع کرد. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱)

۲۵- قانون در معنای عام خود شامل قانون اساسی، قوانین عادی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیین‌نامه‌ها و احکام حکومتی مقام رهبری می‌شود. پس مقصود از معنای عام قانون کلیه مقررات لازم‌الاجرای است که توسط مراجع صالح تصویب شده است. در معنای خاص نیز، قانون صرفاً به مصوبات مجلس یا قوانین تصویب شده از راه همه پرسی اطلاق می‌گردد.

۲۶- قوانین کیفری موجود در حال حاضر با توجه به مرجع تصویب کننده به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۲۶-۱: مصوبات مجلس شورای اسلامی مثل کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

۲۶-۲: مصوبات کمیسیون‌های مجلس مثل قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۶-۳: مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مثل قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری

۲۶-۴: مصوبات شورای انقلاب که به عنوان مرجع موقت قانون‌گذاری در ابتدای پیروزی انقلاب تعدادی لایحه قانونی تصویب کرده است مثل لایحه عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳.

۲۶-۵: مصوبات مجلس شورای ملی یعنی آن دسته از قوانینی که قبل از انقلاب به تصویب رسیده‌اند و هنوز به قوت خود باقی هستند مثل قانون مجازات اخلاالگران در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴.

۲۷- قانون مجازات اسلامی به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق جزا در حال حاضر متشکل از ۵ کتاب است:

۱- کتاب اول کلیات که از ماده ۱ شروع و به ماده ۲۱۶ ختم می‌گردد.

۲- کتاب دوم حدود که از ماده ۲۱۷ شروع و به ماده

۲۷- قانون مجازات اسلامی به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق جزا در حال حاضر متشکل از ۵ کتاب است:

۱- کتاب اول کلیات که از ماده ۱ شروع و به ماده ۲۱۶ ختم می‌گردد

۲۱- منابع حقوق جزا به دو دسته اصلی (الزامی، صوری، رسمی، مستقیم) و فرعی (ارشادی، مکمل، غیر رسمی، غیر مستقیم) تقسیم می‌شود. (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۶، گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، بهار ۹۶، ص ۵۷، اردبیلی، جلد ۱ ص ۱۸۶، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۶، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۴۲، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۸)

۲۲- منابع اصلی عبارتند از: قانون، آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، معاهدات بین‌المللی. (گلدوزیان، بایسته‌ها، همان، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم همان، منصورآبادی، همان)

۲۳- برخی حقوق دانان منابع فقهی معتبر را جزء منابع اصلی حقوق جزا برشمرده‌اند (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۲۸، سبزواری نژاد، جلد ۱، ص ۷۷، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۱۸) ولی اکثریت با این نظر مخالفند و منابع فقهی معتبر را جزء منابع فرعی حقوق جزا می‌دانند. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۶، اردبیلی، جلد ۱، ص ۲۰۱، منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۱، نجفی توانا و میلکی، جلد ۱، ص ۵۶)

۲۴- بی‌گمان منابع فقهی را باید در زمره منبع‌های تکمیلی حقوق کیفری ایران به شمار آورد؛ زیرا در حقوق کیفری، همانند دیگر شاخه‌های حقوق، در مواردی که قانون‌ها، یا یکدیگر تعارض دارند و یا ابهام و اجمال دارند، ناگزیر باید به تفسیر روی آورد و از این راه کاستی‌های قانون‌گذاری را از بین برد. یکی از شیوه‌های تفسیری، بازبینی منبع‌هایی است که قانون بر پایه آنها تصویب شده است. هم اکنون بخشی از مقررات کیفری (حدود، قصاص و دیات) اقتباس و ترجمه‌ی متن‌های اسلامی است و برای از



۳۹- منظور از منابع فقهی معتبر نزد امامیه کتاب، سنت، اجماع و عقل است که به ادله استنباط احکام و یا منابع اجتهاد و نیز منابع حقوق اسلامی شهرت دارد. (اردبیلی، ج ۱، ص ۲۰۲)

۴۰- از دید فقهی، فتوا، هر دیدگاهی است که مبتنی بر روش‌شناسی ویژه فقه از سوی فرد صلاحیت‌دار که مجتهد/مفتی/فتوا دهنده خوانده می‌شود، صادر شده باشد. (منصورآبادی، ج ۱، ص ۱۵۲)

۴۱- اصطلاح فتوا ظهور در دیدگاه‌های فقهی مراجع کنونی دارد و همراه شدن آن با کلمه معتبر این برداشت را تقویت می‌کند. به طوری که می‌توان گفت مجموع عبارت فتاوی معتبر به معنای فتوایی است که در عصر حاضر برای جامعه اعتبار پیدا کرده و مردم به آنها عمل می‌کنند. (سبزواری نژاد، ج ۱، ص ۱۰۳)

۴۲- مقصود از یافتن حکم در موارد سکوت قانون [در منابع فقهی معتبر]... این نیست که اگر قاضی به استناد منابع فقهی معتبر فعل یا ترک فعلی را جرم شناخت حکم به مجازات متهم صادر کند. زیرا اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مانع از آن است که قاضی بتواند برای فعل یا ترک فعلی که در قوانین موضوعه کشور جرم شناخته نشده و برای آن مجازات تعیین نگردیده در منابع فقهی معتبر حکمی بیابد. (اردبیلی، ج ۱، ص ۲۰۲)

۴۳- منظور از دکتین، تفسیر مواد قانونی و تجزیه و تحلیل آراء محاکم و رویه قضایی و ارائه طریق برای آینده می‌باشد. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۶۳)

۲۸۸ ختم می‌شود.

۳- کتاب سوم قصاص که از ماده ۲۸۹ شروع و به ماده ۴۴۷ ختم می‌شود.

۴- کتاب چهارم دیات که از ماده ۴۴۸ شروع و به ماده ۷۲۸ ختم می‌گردد و مجموع این چهار کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تشکیل می‌دهند.

۵- کتاب پنجم (تعزیرات) که از ماده ۴۹۸ شروع و به ماده ۷۸۳ ختم می‌شود و قسمت نخست آن مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و قسمت دوم آن یعنی قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ است.

۳۶- دادگاهها نمی‌توانند بر پایه عرف، جرم و مجازات را تعیین و اجرا کنند و در جایی که قانون ساکت است، دادگاه کیفری باید حکم برائت صادر کند. (منصورآبادی، جلد ۱، ص ۱۵۵)

۳۷- با وجود این، اثر عرف را در حقوق کیفری نیز نمی‌توان انکار کرد. در موارد بسیاری دادگاهها برای تشخیص ماهیت رفتارهایی که مجرمانه شناخته می‌شوند ولی تعریفی از آنها در قانون نیامده، نظیر فحشاء، اعمال منافی عفت و غیر آنها ناگزیر از استناد به عرف می‌باشند. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۲۰۰)

۳۸- از دیگر مواردی که در حقوق جزا به عرف رجوع می‌شود می‌توان به تشخیص حرز متناسب (ماده ۲۶۷ ق.م.ا)

تشخیص دایرکردن قمارخانه (ماده ۷۰۸ ق.م.ا تعزیرات) و تأدیب و محافظت صغار و مجانین (بند ت ماده ۱۵۸) اشاره کرد. (اردبیلی، جلد ۱، ص ۲۰۱)

ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

۳-۶: قاعده قبح عقاب بلا بیان.

۴- مبانی حقوقی توجیه کننده اصل قانونی بودن جرم و مجازات عبارتند از:

۴-۱: اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق، شغل و مسکن اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۴-۲: اصل ۳۲ قانون اساسی: هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۴-۳: اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۴-۴: اصل ۳۷ قانون اساسی: اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۴-۵: اصل ۱۶۶ قانون اساسی: احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۴-۶: اصل ۱۶۹ قانون اساسی: هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

۵- اصل قانونی بودن، به این معنا اشاره دارد که هیچ جرمی و هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد. این گفته، معنا و مفهوم اصل یاد شده را به صورت کوتاه و فشرده بیان می دارد و نشانی آشکار از این دارد که:

۱- هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را پیشاپیش جرم شمرده باشد.

۲- هیچ واکنش کیفری و تأمینی نسبت به رفتارهای انسان قابل اعمال نیست مگر آنکه به طور صریح در

۱- این ماده بیان کننده عنصر قانونی جرایم (اصل قانونی بودن جرم و مجازات) است. برای اینکه عملی جرم باشد وجود سه عنصر لازم است:

عنصر قانونی یعنی وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد.

عنصر معنوی یعنی رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا خطای جزایی باشد.

عنصر مادی، شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه. (گلدوزیان، بایسته ها، ص ۹۱، اردبیلی، ج ۱، ص ۱۷۸)

۲- عنصر قانونی عبارت است از حکم قانونگذار مبنی بر تعیین مجازات برای عمل مباح. (استاد دکتر علی آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای عمومی)

۳- مبانی فقهی توجیه کننده اصل قانونی بودن جرم و مجازات عبارتند از:

۳-۱: آیه شریفه: {لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا}. (سوره بقره، آیه ۲۸۶)

خداوند به هیچ کس، بیش از توانایی او تکلیفی نمی دهد.

۳-۲: {لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا}. (سوره طلاق، آیه ۷)

خداوند به هیچ کس، بیش از توانایی او تکلیفی نمی دهد.

۳-۳: {وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا}. (سوره اسراء، آیه ۱۵)

و ما هیچ کس را عذاب نمی کنیم مگر اینکه پیامبری بفرستیم.

۳-۴: حدیث رفع: قال رسول الله (ص): رفع عن امتی تسعه اشياء... و ما لا یعلمون.

پیامبر (ص) می فرماید: از امت من نه چیز برداشته شد... آنچه نمی دانند.

۳-۵: حدیث نبوی: «الناس فی سعه ما لا یعلمون».

مردم نسبت به چیزی که نمی دانند در گشایش هستند.

قانون پیش‌بینی شده باشد.

۳- هیچ دادگاهی صالح به رسیدگی به جرم و تعقیب مجرم نیست مگر آنکه به موجب قانون تشکیل شده باشد

۱- هیچ حکم کیفری قابل اجرا نیست مگر اینکه در جهت صدور آن تمامی تشریفات قانونی رعایت شده باشد. (منصورآبادی، ج ۱، ص ۱۳۰)

۶- اصل قانونی بودن جرم و مجازات دو نتیجه دارد: ۱- تفسیر مضیق یا محدود یا ادبی ۲- عطف به ما سبق نشدن قانون کیفری (نوربها، زمینه جزای عمومی، ص ۱۳۹، اردبیلی، ج ۱، ص ۲۱۳، دکتر پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵، نجفی توانا و میلکی، ج ۱، ص ۱۷۲، منصورآبادی، ج ۱، ص ۱۳۶، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۲۱) ۷- تفسیر قانون عبارت است از شرح و توضیح الفاظ قانون و عبارات قانون و بیان معانی آنها، تشخیص مراد مقنن و قلمرو حاکمیت قانون بر مبنای قواعد، پیش فرض‌ها، ابزارها و راهنماهای مخصوص. (دکتر جلیل امیدی، تفسیر قانون در حقوق جزا، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۶)

۸- تفسیر قانون بر اساس مرجع تفسیرکننده آن به سه دسته تفسیر قانونی، قضایی و شخصی تقسیم می‌شود. (گلدوزیان، بایسته‌ها، ص ۹۶، شمس ناتری، پیشین، ص ۲۱، سبزواری نژاد، ج ۱، ص ۱۴۶، امیدی، پیشین، ص ۲۴، نجفی توانا و میلکی، ج ۱، ص ۱۹۱) ۹- رفع ابهام از قوانین و توضیح و تبیین عبارات و اصطلاحات مندرج در آنها از سوی خود قانون‌گذار تفسیر قانونی نام دارد. (امیدی، پیشین، ۲۴)

۱۰- طبق اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است.

۱۱- طبق اصل ۷۳ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.

۱۲- تفسیری که دادرسان دادگاهها در مقام صدور رأی و تعیین حکم وقایع حقوقی از قانون به عمل می‌آورند، تفسیر قضایی نام دارد. تفسیر قضایی اجتهاد دادرس برای استنباط و استخراج حکم قضیه از قانون است. (امیدی، پیشین، ص ۴۰) قسمت اخیر اصل ۷۳ قانون اساسی در همین راستا مقرر می‌دارد ... این امر مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

۱۳- تفسیر قضایی به اعتبار ماهیت تفسیر به ۴ دسته تقسیم می‌شود:

تفسیر منطقی یا توضیحی یا غائی، تفسیر مضیق یا محدود یا ادبی یا منطوقی، تفسیر موسع، تفسیر از طریق قیاس (شمس ناتری، پیشین، ص ۲۱)

۱۴- تفسیر منطقی یا توضیحی، تفسیری است که حاکی از کشف و دریافت مقصود واقعی قانونگذار است. (گلدوزیان، پیشین، ص ۹۹، اردبیلی، پیشین، ۲۲۱)

۱۵- مثالی که معمولاً به‌طور کلاسیک در کتب حقوق جزای عمومی به‌عنوان مثال تفسیر منطقی یا توضیحی ذکر می‌کنند مربوط به جرم نشر اکاذیب موضوع ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی سابق (۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات) است. شعبه دوم دیوان عالی کشور در این خصوص در حکم شماره ۲۶۳۲-۱۳۱۸/۱/۱۰ چنین اشعار داشته است:

... و اکاذیب و اعمال هم هر چند در ماده مزبور به کلمه جمع گفته شده ولی منظور نوع آن امور بوده و بر حسب عرف و تبادل به یک عمل هم صدق می‌کند و اگر کسی یک فقره امر کذب و امر خلاف حقیقت را هم به هر نحو مقرر در آن ماده به کسی نسبت دهد قابل تعقیب است. (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۰۱)

۱۶- تفسیر مضیق قدیمی‌ترین سبک و روشی است که در تفسیر قوانین کیفری وجود دارد. (محسنی، پیشین، ص ۳۳۱)

اصل قانونی بودن حقوق جزا و آزادی‌های فردی است. (محسنی، پیشین، ص ۳۳۴)

۲۳- تفسیر موسع تفسیری است که بیشتر بر اساس روح قانون است تا الفاظ و عبارات قانون. این نوع تفسیر ضرورتاً مستلزم معنایی نخواهد بود که در قالب کاربردهای ادبی الفاظ و عبارات قانون باشد. مفسر در این نوع تفسیر خود را محدود به الفاظ و عبارات به کار رفته در متن قانون نمی‌داند. (سبزواری نژاد، پیشین، ص ۱۴۸)

۲۴- در مسائل جزایی نمی‌توان برای قاضی قائل به اختیار تفسیر موسع از قوانین جزایی شد؛ زیرا تفسیر موسع قوانین جزایی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها منافات دارد. توسل به این روش منتهی به تجاوز از حدود منظور و مقصود قانونگذار و به منزله قبول اختیار قاضی در تعیین وصف عمل مجرمانه و کیفر آن است. (گلدوزیان، پیشین، ص ۹۹)

۲۵- استثنایی که در مورد منع تفسیر موسع از قوانین جزایی وجود دارد در مورد تفسیر قوانین ارفاق آمیز است [و] در صورتی که یک قانون ماهوی شرایط و علل موجهه جدیدی را پیش‌بینی کند، تا حدی که قانون اجازه می‌دهد به نفع متهم قابل تفسیر است. (همان)

۲۶- تفسیر به نفع متهم به این معناست که هر جا ابهام، اجمال یا تعارض قوانین به تفسیرگر (دادرس) مجال برداشت‌های چندگانه می‌دهد، بی‌آنکه به یقین بتوان گفت کدام‌یک از آن برداشت‌ها مورد نظر قانونگذار است، تفسیر و برداشتی که به حال متهم مساعدتر است، به اجرا گذاشته می‌شود. (منصور آبادی، پیشین، ص ۱۶۸، امید، پیشین، ۱۳۳)

۲۷- مراحل تفسیر قانون کیفری به ترتیب عبارتند از:

- ۱- احراز نظر مقنن (تفسیر منطقی)
- ۲- تفسیر مضیق
- ۳- تفسیر به نفع متهم (شمس ناتری، پیشین، ص ۲۱)
- پس قاضی ابتدا باید سعی کند تا پی به مقصود واقعی

۱۷- تفسیر مضیق عبارت است از حمل الفاظ و عبارات قانون بر حداقل معنایی که از آنها برداشت می‌شود. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۶۵) تفسیر مضیق مبتنی بر این است که دادرس به منطوق قانون و مواردی که صریحاً و منجزاً بیان شده توجه و منظور مقنن را از مفهوم کلمات و عبارات با رعایت قواعد دستوری استنباط نماید. (گلدوزیان، پیشین، ص ۹۷)

۱۸- رویکرد ادبی مراد مقنن و مرز قانون را در معانی معمول و مدلول متعارف الفاظ و عبارات قانون جستجو می‌کند. تفسیر قانون در این دیدگاه در بررسی نکات دستوری و تجزیه و تحلیل ادبی آن خلاصه می‌شود. (امیدی، پیشین، ص ۵۸)

۱۹- تفسیر مضیق دو نتیجه دارد: ۱- تیره در حالت شک ۲- منع دلیل تراشی (تفسیر) به وسیله قیاس. (نوربها، پیشین، ص ۱۵۴)

۲۰- منظور از تیره در حالت شک آن است که وقتی قانون جزا مجمل است یا ابهام دارد، به نحوی که قاضی نمی‌تواند اندیشه قانونگذار را درک کند و عمل ارتكابی را با آن مطابقت دهد، باید متهم را تیره کند. (همان)

۲۱- در این سبک از تفسیر [به وسیله قیاس] به قاضی اختیار داده می‌شود که اعمال ضد اجتماعی را که قانون به‌طور صریح تعیین ننموده با جرایم پیش‌بینی شده در قانون مقایسه نموده و هرگاه وجه شباهتی بین آنان پیدا نماید، همان مجازات را درباره مرتکب اعمال نماید. (محسنی، پیشین، ص ۳۳۴)

۲۲- اعمال قیاس، نوعی قانونگذاری است و به نام تفسیر قانون، قاضی را به جای قانونگذار می‌نشانند. توسل به قیاس در حقیقت تکمیل قانون است نه تفسیر آن، به همین خاطر تعارض آن با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها غیر قابل انکار است. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۶۷) این طرز از تفسیر ولو آنکه منافع جامعه را هم حفظ نماید، برخلاف

ص ۱۳۲)

۳۲- رفتار مجرمانه مهم‌ترین جزء عنصر مادی جرم است ... و در بسیاری از نوشته‌های حقوقی دیده می‌شود که هرگاه سخن از عنصر مادی جرم به میان می‌آید، همان رفتار فیزیکی اراده می‌شود. (زراعت، پیشین، ص ۱۳۴)

۳۳- رفتار مجرمانه می‌تواند به یکی از اشکال زیر باشد:

فعل- ترک فعل- داشتن و نگهداری و حالت

۳۴- فعل: فعل مثبت انجام عملی است که قانونگذار منع نموده است و در قالب حرکت ارادی عضو بدن ظهور پیدا می‌کند (زراعت پیشین، ص ۱۳۶) به دیگر سخن، حرکتی که از اعضاء و جوارح انسان سر می‌زند و با یک اثر و ظهور بیرونی قابل شناسایی است، فعل و رفتار مثبت به شمار می‌آید. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۰۰)

۳۵- رفتار مثبت می‌تواند در قالب نوشتار، گفتار یا مبادرت به رفتار فیزیکی غیر نوشتاری و غیر گفتاری از طریق ایجاد تحرک در اعضاء و جوارح بدن صورت پذیرد. نظیر قتل و سرقت یا ضرب و جرح و موارد مشابه. (نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۲۵۷)

۳۶- ترک فعل به معنی امتناع از ایفای تکلیفی است که موضوع حکم قانونگذار بوده است. در جرائمی مانند استتکاف از احقاق حق (ماده ۵۹۷ ق.م.ا.ت.زیرات)، ترک انفاق (ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده)، عنصر مادی جرم، امتناع از فعلی است که نفس آن قطع نظر از آثاری که ممکن است به وجود آورد، مقصود قانونگذار بوده است. (اردبیلی، پیشین، ص ۳۰۴)

۳۷- درخصوص فعل ناشی از ترک فعل به شدت بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان معتقدند که این نوع از رفتار در حقوق ایران متصور است (گلدوزیان، پیشین، ۱۹۰) برخی دیگر نیز معتقدند که در حال حاضر در حقوق ایران

قانونگذار ببرد و اگر در این راه ناکام ماند، باید به معنای ادبی و لغوی عبارات قانون بسنده کند و سرانجام اگر موفق به این امر نیز نشد، باید قانون را به نفع متهم تفسیر کند.

۲۸- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی علاوه بر تعریف جرم و بیان اصل قانونی بودن جرم و مجازات، به بخشی از عنصر مادی نیز اشاره می‌کند. رفتار که در ماده ۲ به آن اشاره شده یکی از اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرم است.

۲۹- عنصر مادی عبارت است از نمایش خارجی اراده مرتکب جرم. (دکتر آزمایش، پیشین) رکن مادی، رکن واقعی، عینی و بیرونی جرم است؛ یعنی پدیده‌ای که در دنیای دور و بر می‌توان آن را مشاهده کرد و نشان داد یا دست کم پیامدهای آن را دید. به دیگر سخن، رکن مادی، چیزی است که وجود واقعی و بیرونی جرم به آن وابسته است و با پدید آمدن آن، جرم پدید می‌آید. (منصورآبادی، پیشین، ص ۲۹۸)

۳۰- رکن مادی، مجموعه‌ای از اجزاء و شرط‌های مادی و بیرونی است که با وجود آنها جرم در جهان بیرون پدیدار می‌شود و به حسب نوع جرم‌ها، این اجزاء و شرط‌ها متفاوت است. (همان)

۳۱- اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرم عبارتند از:

- ۱- رفتار مجرمانه که در همه جرایم وجود دارد.
- ۲- مجموعه شرایط و اوضاع و احوال که از جرمی به جرم دیگر متغیر است.
- ۳- نتیجه که فقط در جرایم مقید وجود دارد.
- ۴- رابطه علیت که فقط در جرایم مقید وجود دارد. (دکتر حسین میر محمدصادقی، جرایم علیه اموال، نشر میزان، ص ۵۸، منصورآبادی، پیشین، ص ۲۹۹، شمس ناتری، پیشین، ص ۲۴، نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۲۷۶، دکتر عباس زراعت، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲،

مورد تداوم داشتن در زمان و یا اعراض و انصراف از داشتن را معین و برحسب مورد، جرم را احراز و یا متهم را تبرئه نماید. [در این مورد] ظاهراً فعلی صورت نمی‌گیرد و واکنش مثبت و منفی به وقوع نمی‌پیوندد، ولی عملی در گذشته صورت گرفته و قانونگذار داشتن و نگهداری بعضی از اشیاء را جرم می‌شناسد و دارنده آن را مستوجب کیفر می‌داند. (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۹۲)

۴۲- نگهداری مواد مخدر (مواد ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر)، نگهداری مشروبات الکلی (ماده ۷۰۳ ق.م.ا. تعزیرات) و نگهداری آلات قمار (ماده ۷۰۹ ق.م.ا. تعزیرات) از مصادیق جرائمی هستند که رفتار مجرمانه آنها داشتن و نگهداری است.

۴۳- همان‌گونه که گفته شد (شماره ۳۱) یکی دیگر از اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرایم، نتیجه مجرمانه است. منظور از نتیجه، آن اثر و پیامدی است که از یک رفتار مجرمانه ناشی می‌شود. به‌طور کلی نتیجه جرم از نگاه مادی و فیزیکی، عبارت است از دگرگونی و تغییری که در جهان بیرون به عنوان اثر جرم پدیدار می‌شود و از نگاه حقوقی، زیان و خسارتی است که به یک حق یا مصلحت مورد حمایت قانون وارد می‌شود. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۰۹)

۴۴- وجود نتیجه در همه جرایم لازم نیست و جرایم به اعتبار نتیجه به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. منظور از جرم‌های مقید جرائمی هستند که در تحقق عنصر مادی آنها علاوه بر رفتار، به نتیجه ویژه‌ای نیاز است و جرم‌های مطلق جرم‌هایی هستند که نیاز به اثر و نتیجه ندارند. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۰۹، اردبیلی، پیشین، ص ۳۱۱، گلدوزیان، پیشین، ص ۲۲۴، سبزواری نژاد، پیشین، ص ۲۷۱، نوربها، پیشین، ص ۲۳۲)

فقط یک مورد (ماده ۲۹۵ ق.م.ا) از مصادیق فعل ناشی از ترک فعل است (اردبیلی، پیشین، ۳۰۵) که این عقیده وجیه به نظر نمی‌رسد زیرا ماده ۲۹۵ ق.م.ا از مصادیق ترک فعل است (دکتر حسین میر محمدصادقی، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ، ص ۳۹، دکتر حسین آقایی نیا، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، نشر میزان، چاپ ۱۲، ۱۳۹۳، ص ۴۹)

۳۸- به نظر می‌رسد که تفکیک ترک فعل و فعل ناشی از ترک فعل به سختی قابل تصور است... به‌رحال در این موارد می‌توان گفت که ترک فعل چنانچه منجر به وقوع رفتار مجرمانه نشود (فعل) نمی‌توان فاعل آن را قابل تعقیب و مجازات دانست؛ بنابراین، فعل ناشی از ترک فعل، همان ترک فعلی است که قانون بیان نموده که در این موارد قانونگذار باید امر به انجام آن از سوی اشخاص نموده باشد و الا نمی‌توان به هر ترک فعلی اشخاص را قابل مجازات دانست. (سبزواری نژاد، پیشین، ص ۲۱۳)

۳۹- بعضی از جرایم به گونه‌ای تعریف شده‌اند که شرط صریح رفتار در مورد آنها وجود ندارد. یعنی جرم هنگامی ارتکاب می‌یابد که وضع خاصی وجود داشته باشد یا متهم در موقعیت یا وضع خاصی قرار داشته و یا از حالت ممنوعه تعریف شده‌ای برخوردار شده باشد. حالت، تجسم اندیشه و وضعی مدام است که انسان در آن به سر می‌برد. (سبزواری نژاد، پیشین، ص ۲۱۴)

۴۰- اعتیاد (ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر)، ولگردی (ماده ۷۱۲ ق.م.ا. تعزیرات) از مصادیق جرائمی هستند که رفتار مجرمانه آنها حالت است.

۴۱- چهارمین مورد از مصادیق رفتار مجرمانه، داشتن و نگهداری است. منظور از داشتن این است که شخصی شیء ممنوعه‌ای را در اختیار خود داشته و یا عالماً عامداً در اختیار افراد تحت سرپرستی خود گذاشته باشد. بنابراین دادگاه باید در این

۴۵- از مصادیق جرایم مطلق می‌توان به توهین، افتراء (بیانی)، نشر اکاذیب، تهدید، حمل سلاح غیرمجاز، تظاهر و قدرت نمایی با چاقو، ارتشاء و از مصادیق جرایم مقید می‌توان به قتل، سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تخریب، سقط جنین و افترای عملی اشاره کرد.

۴۶- جزء بعدی در ساختار عنصر مادی جرایم، رابطه علیت یا سببیت است. رابطه علیت عبارت است از رابطه بین رفتار و نتیجه مجرمانه که فقط در جرایم مقید وجود دارد. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۱۱، سزواری نژاد، پیشین، ص ۲۱۶) و برای دیدن نظر مخالف که معتقد است که رابطه علیت فقط مختص جرایم مقید نیست و در جرایم مطلق هم وجود دارد نگاه کنید به (نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۲۶۳)

۴۷- آخرین جزء از اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرم مجموعه شرایط و اوضاع و احوال است که از جرمی به جرم دیگر متغیر است و می‌تواند شامل مواردی مثل وسیله مجرمانه (تقلبی بودن در کلاهبرداری یا سلاح در محاربه)، سمت مرتکب (مأمور دولت بودن در اختلاس و ارتشاء) سمت بزه دیده (توهین به مأموران دولت) و ... باشد.

۴۸- جرم را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی از حیث طبیعت جرم به جرایم عمومی و سیاسی و نظامی تقسیم کرد. (گلدوزیان، پیشین، ص ۲۲۲) برخی نیز مبنای این تقسیم‌بندی را عنصر قانونی جرم می‌دانند. (اردبیلی، پیشین، جلد دوم، ص ۱۳، شمس ناتری، پیشین، ص ۲۵)

۴۹- تعریف دقیق جرم عمومی بسیار دشوار است. (اردبیلی، پیشین، ص ۱۵) برخی معتقدند جرایم عمومی به جرائمی اطلاق می‌شود که رفتارهای مجرمانه عامه مردم را دربر می‌گیرد. (صانعی، پیشین، ص ۴۱۹) و برخی نیز معتقدند که جرم عمومی جرمی است که ضمن صدمه به منافع خصوصی اشخاص، اغلب با انگیزه‌های حرص و طمع و سودجویی و

کینه توأم است. (گلدوزیان، پیشین، ص ۲۲۲)

۵۰- جرایم نظامی شامل دو دسته از جرایم هستند: ۱- جرایم ماهیتاً نظامی: که جرائمی است که مختص نظامیان است و افراد عادی نمی‌توانند مرتکب آنها بشوند مثل لغو دستور یا اتلاف مهمات.

۲- جرایم عمومی: که ارتکاب آنها از سوی افراد عادی هم ممکن است ولی هرگاه توسط یک نظامی در حین انجام وظیفه یا به سبب آن رخ دهد، از جرایم نظامی خواهد بود. (گلدوزیان، پیشین، ص ۲۲۲)

۵۱- ماده ۱ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۴، بدون اینکه جرم سیاسی را تعریف کند مقرر داشته است: هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۲ این قانون نیز مقرر داشته است: جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف- توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان.

ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات.

پ- جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷.

زمان وابسته است و باید در طول زمان جریان پیدا کند تا به‌طور کامل رخ دهد. به سخن دیگر، زمان (سپری شدن زمان) شرط اثرگذار در پیدایش این دسته از جرم‌هاست. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۴۳) به عبارت دیگر، جرم با تمام عناصر خود، به‌طور دائم تجدید حیات می‌کند. (نوربها، پیشین، ص ۲۳۱)

۵۵- معیار استمرار [در جرم مستمر] یک معیار عرفی است؛ یعنی سپری شدن مدت زمانی که از نگاه عرف باقی بودن بر عمل ارتكابی قابل استنباط و تشخیص باشد و این وضع (استمرار) برحسب نوع جرم‌ها متفاوت است. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۴۴)

۵۶- در مورد تعریف جرم استمرار یافته، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده برخی، جرم استمرار یافته، جرم آنی است که در طول زمان جریان پیدا کرده و همانند جرم مستمر شده باشد؛ مانند اینکه یک نفر طی یک شب تا صبح، وسایل و لوازم موجود در منزل یک شخص را سرقت کند. (همان و نیز نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۳۰۴) برخی دیگر این تعریف را مختص جرم مکرر یا متوالی یا جمعی متحد المقصد می‌دانند (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۹۸، محسنی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۱، آقایی جنت‌مکان، پیشین، ص ۳۴۹) برخی نیز جرم استمرار یافته را جرمی می‌دانند که رفتار مجرمانه آن، یک بار اتفاق افتاده ولی نتایج آن در زمان ادامه دارد؛ مثل سرقت آب، برق یا گاز. (نوربها، پیشین، ص ۲۳۱)

۵۷- فایده تقسیم‌بندی جرایم به آنی و مستمر، در تعیین قلمرو حاکمیت قانون جزا در زمان (عطف به‌ما سبق شدن یا نشدن) و تعیین دادگاه صلاحیت‌دار و همچنین شمول یا عدم شمول مرور زمان است. (نوربها، پیشین، ص ۲۳۱، منصورآبادی، پیشین، ص

ت- جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

ث- نشر اکاذیب

۵۲- در یک تقسیم‌بندی دیگر که مبنای آن عنصر مادی است، جرایم بر مبنای طول زمان ارتکاب جرم به دو دسته آنی و مستمر تقسیم می‌شوند. (گلدوزیان، پیشین، ص ۲۲۳، اردبیلی، پیشین، ص ۳۸) برخی دیگر جرم استمرار یافته را نیز جزء همین تقسیم‌بندی می‌دانند. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۴۳)

۵۳- جرم آنی (فوری) جرمی است که ارتکاب آن در زمان به‌طور نسبی کوتاه امکان‌پذیر است و سپری شدن زمان در پدید آمدن آن مؤثر نیست. (منصورآبادی، پیشین، ص ۳۴۳) ولی این بدان معنا نیست که عناصر تشکیل‌دهنده جرم باید در یک زمان با هم جمع شوند... به عبارت دیگر، در جرم فوری مدت اجرای کم و بیش طولانی بزه برای تحقق آن اهمیتی ندارد بلکه انجام آن به شکلی که استمرار در آن نباشد مورد نظر است. مثال‌های بارز این گونه جرایم، قتل، سرقت و ضرب و جرح عمدی است. (نوربها، پیشین، ص ۲۳۰) در جرایم آنی، گاهی مشاهده می‌شود مقداری فاصله زمانی بین رفتار مرتکب و وقوع نتیجه مجرمانه ایجاد می‌گردد که این امر، وصف آنی بودن جرم را زائل نمی‌سازد... به علاوه تعدد رفتارهای مرتکب که منجر به نتیجه واحد (مثلاً قتل) می‌شود، تأثیری در ماهیت موضوع نداشته و نمی‌توان در چنین مواردی، قائل به اراده مستمر بزه‌کار در طول زمان بود، زیرا مجموع افعال ارتكابی، متضمن وقوع یک نتیجه مجرمانه بوده و اراده مجرمانه در هر مورد بیش از یک بار، تجلی خارجی نیافته است. (نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۳۰۴)

۵۴- جرم مستمر، جرمی است که ارتکاب آن به



جزء وسایل و تجهیزات ماهواره محسوب نمی‌شود و مجازات خاصی هم برای آن ذکر نشده است، فاقد جنبه، کیفری است. (نظریه شماره ۷/۷۴۸-۱۳۸۷/۲/۱۵. ح)

۶۴- فروش جواب سؤالات آزمون راهنمایی و رانندگی... جرم تلقی نمی‌شود. (نظریه شماره ۷/۱۰۶۷-۱۳۸۷/۲/۲۴. ح)

۶۵- برای حمل دام از شهری به شهر دیگر بدون مجوز سازمان دامپزشکی مجازاتی پیش‌بینی نشده لذا عمل او جرم به حساب نمی‌آید. (نظریه ۷/۱۹۰۶-۱۳۸۷/۴/۳. ح)

۶۶- اگر کسی خود را به جای متهم و با هویت وی به مرجع قضایی معرفی کند و متحمل عواقب آن شود، [عمل او] در قوانین جزایی فعلی جرم شناخته نشده است. (نظریه ۷/۶۹۵۰-۱۳۸۷/۱۱/۱۲. ح)

۶۷- اخذ وام از بانک و استفاده از تسهیلات بانکی ولو با اظهار مطالب غیر واقعی، فاقد وصف جزایی است زیرا وام گیرنده قصد خوردن مال دیگری را ندارد. (نظریه ۷/۴۷۲۷-۱۳۸۸/۸/۴. ح)

۶۸- در قوانین جزایی برای شخص ابلهی که خود را امام زمان (عج) معرفی می‌نماید، مجازاتی در نظر گرفته نشده است و ... موضوع قابل تعقیب کیفری نیست مگر اینکه شخص مزبور از این طریق مرتکب جرایم دیگری مثل کلاهبرداری شده باشد که به مجازات جرم اخیر محکوم می‌شود. (نظریه ۷/۸۵۲۳-۱۳۸۴/۱۱/۲۶. ح)

۶۹- ..... امتناع رئیس دانشگاه آزاد از اجرای حکم دادگاه مبنی بر صدور دانشنامه در مقطع کارشناسی فاقد جنبه کیفری است. (نظریه ۷/۷۴۸-۱۳۸۷/۲/۱۵. ح)

۷۰- نصب دوربین مدار بسته در معابر عمومی برای نظارت بهتر مناطق جرم خیز توسط مقامات صالح فاقد منع قانونی است. (نظریه ۷/۱۱۷۲-۱۳۹۰/۲/۲۶. ح)

۷۱- در قوانین موضوعه ممنوعیتی برای تغییر جنسیت، ملاحظه نگردید. (نظریه ۷/۹۲/۱۴۴۴-۱۳۹۲/۸/۴. ح)

۳۴۴، صناعی، پیشین، ص ۳۸۰، گلدوزیان، پیشین، ص ۱۹۷)

۵۸- در یک تقسیم‌بندی دیگر که مبنای آن هم عنصر مادی جرم است، جرایم به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. جرم ساده جرمی است که با یک عمل یا ترک عمل انجام می‌شود و دارای یک عنصر مادی مشخص است (نوربها، پیشین، ص ۱۳۳) جرایم ساده یا بسیط، جرائمی هستند که رکن مادی آنها، با ارتکاب رفتاری ساده و غیر پیچیده که از قصد واحدی نشأت می‌گیرد، محقق می‌شود. (نجفی توانا و میلکی، پیشین، ص ۳۰۶) جرایم مرکب نیز جرائمی هستند که عنصر مادی آنها از چند جزء تشکیل شده که یا هر یک به تنهایی جرم نیستند یا اگر هستند مجازات کمتری دارند ولی یا مجموع آنها تشکیل جرم را می‌دهد یا مجازات شدیدتری دارند که مصداق بارز آنها کلاهبرداری است. (گلدوزیان، پیشین، ص ۱۹۹، صناعی، پیشین، ص ۳۸۴، آقایی جنت‌مکان، پیشین، ص ۳۴۹، منصورآبادی، پیشین، ص ۳۴۲)

۵۹- فایده این تقسیم‌بندی نیز همان مواردی است که در مورد جرایم آتی و مستمر ذکر شد. (شماره ۵۷)

۶۰- نصب دوربین در سردر بیرونی مغازه و فیلمبرداری از تردد عابرین فی نفسه جرم محسوب نمی‌شود. (نظریه شماره ۷/۹۲/۹۲۵-۱۳۹۲/۵/۲۲. ح)

۶۱- عمل شخصی که خود را به جای شاکی خصوصی معرفی کرده و بیان شکایت نموده اما به ضرر او سخنی نگفته و اقدامی نکرده است، فاقد عنوان جزایی است. (نظریه شماره ۷/۴۴۹۸-۱۳۸۲/۶/۱۸. ح)

۶۲- اشخاصی که در مراحل تحقیقات مقدماتی از اعلام هویت خود امتناع و خود را با مشخصات خلاف واقع معرفی نمایند... فاقد وصف جزایی و قابل تعقیب نیست. (نظریه شماره ۷/۵۵۹-۱۳۸۴/۱/۳۱. ح)

۶۳- ... نگهداری و وارد کردن کارت ماهواره چون

## فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

ماده ۳- قوانین جزائی ایران دربارهٔ کلیهٔ اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

برای اعمال آن، متن قانون خارجی مورد مراجعه قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین برای رسیدگی دادگاه‌های ملی لزومی ندارد که عمل مرتکب طبق قانون ملی او یا قانون ملی مجنی علیه نیز جرم باشد. (همان)

۴- در توجیه پذیرش اصل صلاحیت سرزمینی دلایل متعددی عنوان می‌شود؛ از جمله اینکه بررسی دلایل، امارات و قرائن موجود درباره هر جرم با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد، هدف عبرت انگیز بودن کیفر بهتر تأمین و اقتدار و حاکمیت دولت نیز حفظ می‌شود. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۴، خالقی، پیشین، ص ۳۸)

۵- اصل صلاحیت سرزمینی فقط ناظر بر قوانین ماهوی نیست بلکه قوانین شکلی نیز مشمول این اصل خواهند بود، بنابراین در مواردی که برای رسیدگی به جرمی صلاحیت محاکم داخلی قبول و محرز گردید، این محاکم طبق قانون آیین دادرسی کیفری کشور متبوع خود رسیدگی خواهند نمود و دادرها و دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه من الوجوه حق استناد به قوانین شکلی خارجی را ندارند. (دکتر محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات دوراندیشان، ص ۱۰۱، چاپ ۱۷، ۱۳۹۴)

۶- منظور از قلمرو حاکمیت، کلیهٔ فضاهایی است که یک دولت در آنها اعمال حاکمیت می‌کند و شامل قلمرو زمینی، دریایی، هوایی، کشتی‌ها و هواپیماهای ثبت شده و سرزمینهای تحت اشغال نیز می‌شود.

۱- اجرای مقررات کیفری در مکان با سه معیار قابل تشخیص است: ۱- معیار قلمرو و سرزمین ۲- معیار فاعل یا مرتکب ۳- معیار فعل یا رفتار.

معیار نخست سبب پذیرش اصل صلاحیت سرزمینی در قانونگذارهای کیفری شده است. به اعتبار وصف و خصوصیت مرتکب و یا مجنی علیه مبنی بر داشتن تابعیت یک کشور، اصل صلاحیت شخصی مورد پذیرش قرار گرفته است. پاره‌ای از رفتارهای مجرمانه ناظر به مصالح عالی ملی و یا منافع ملی و یا منافع جامعه بین‌المللی، سه اصل دیگر اصل صلاحیت واقعی، اصل صلاحیت جهانی و اصل صلاحیت بین‌المللی را در پی داشته‌اند. (منصورآبادی، جزای عمومی، ص ۱۸۵)

۲- ماده ۳ ق.م.ا بیان‌کنندهٔ اصل صلاحیت سرزمینی یا درون مرزی است. این اصل مهمترین و قدیمی‌ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است و با اصل صلاحیت دولت‌ها سازگار است. به موجب این اصل، صلاحیت دولت برای رسیدگی به جرم با توجه به محل ارتکاب تمام یا بخشی از آن جرم تعیین می‌شود. (دکتر حسین میر محمدصادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ هشتم ۱۳۹۴، ص ۵۴) به عبارت دیگر، صلاحیت سرزمینی عبارت است از صلاحیت کیفری یک دولت نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمرو آن. (دکتر علی خالقی، جستارهایی در حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۷)

۳- صلاحیت سرزمینی، صلاحیتی است مستقل که

سرزمینی شناور یاد کرده‌اند. (شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۳۳)

۱۲- اعمال صلاحیت نسبت به کشتی‌ها و هواپیماها دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. جنبه ایجابی آن اعمال صلاحیت کشور صاحب پرچم است ... منظور از جنبه سلبی، نفی صلاحیت کشورهای غیر صاحب پرچم از رسیدگی به جرم‌های داخل شناورها و وسایل حمل‌ونقل هوایی است، حتی اگر چنین وسیله‌هایی در ساحل و دریای سرزمینی و یا قلمرو فضایی آنها قرار گرفته و یا در حال حرکت باشند. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۹۰)

۱۳- رسیدگی به جرائم ارتكابی در کشتی‌های جنگی به موجب عرف حقوق بین‌الملل و ماده ۸ قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها در صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم است. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۹۰، آقایی جنت‌مکان، ج ۱، ص ۱۷۲، شمس ناتری، پیشین، ص ۳۶، گلدوزیان بایسته‌ها، ص ۱۲۰، نجفی توانا و میلکی، ج ۱، ص ۲۰۰)

۱۴- درباره کشتی‌های غیر جنگی (تجاری) بر اساس ماده ۱۹ عهدنامه ۱۹۵۸ ژنو در زمینه دریای سرزمینی و منطقه نظارت و ماده ۲۷ عهدنامه ۱۹۸۲ مربوط به حقوق دریاها، به‌طور معمول دولت ساحلی از اعمال صلاحیت کیفری و مدنی بر کشتی‌های تجاری خارجی که از آب‌های سرزمینی‌اش عبور می‌کنند، خودداری می‌کند، مگر در موارد زیر:

- الف- نتایج جرم به کشور ساحلی سرایت کند.
- ب- جرم از جمله جرم‌هایی باشد که آرامش کشور ساحلی یا نظم دریای سرزمینی را مختل سازد.
- ج- ناخدای کشتی یا مأمور دیپلماتیک یا کارمند کنسولی کشور صاحب پرچم، از مقامات محلی درخواست کمک و یاری کرده باشد.
- د- اعمال صلاحیت کیفری در جهت جلوگیری از معامله غیر مجاز مواد مخدر لازم باشد. ماده ۱۰ قانون

۷- منظور از قلمرو زمینی، سرحدات جغرافیایی کشور است. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۶، منصورآبادی، پیشین، ص ۱۸۶)

۸- قلمرو دریایی، آبهای داخلی و دریای سرزمینی را در برمی‌گیرد که طبق کنوانسیون ۱۹۸۲، حداکثر شامل دوازده مایل دریایی و دربرگیرنده فضای فوقانی، بستر و زیر بستر دریای سرزمینی هم می‌شود، همان‌طور که در ماده ۱ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ مورد پذیرش قرار گرفته است. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۶)

۹- به موجب ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو، حق حاکمیت یک کشور به ۱- ماورای قلمرو خشکی و آبهای داخلی ۲- به منطقه‌ای از دریاهای متصل به ساحل آن (دریای سرزمینی) گسترش می‌یابد. طبق ماده ۳ کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲، عرض دریایی سرزمینی از خط مبدأ (خط جزر ساحل) حداکثر ۱۲ مایل دریایی (هر مایل معادل ۱۸۵۲ متر = ۲۲ کیلومتر) است. (حقوق بین‌الملل عمومی، دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهلیم، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰)

۱۰- منظور از قلمرو هوایی، لایه‌ای از هواست که بر فراز قلمرو زمینی و دریایی قرار دارد تا آنجا که جو (اتمسفر) هست و پس از آن منطقه ماورای جو (فضا) آغاز می‌شود. این نکته در ماده ۳ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸، مورد تأیید قرار گرفته است. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۶)

۱۱- علاوه بر موارد یاد شده اعمال صلاحیت شامل کشتی‌ها و هواپیماهایی هم می‌شود که با پرچم یک کشور در حرکت هستند که برخی به آنها قلمرو حکمی یا اعتباری می‌گویند. (دکتر حسن پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات جنگل، چاپ هشتم، ۱۳۹۴، ص ۱۷، زراعت پیشین، ص ۸۰) برخی نیز از این موضوع تحت عنوان اصل صلاحیت

ج- هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید. در هر یک از موارد بالا رسیدگی در دادگاه محلی که هواپیما فرود آمده یا دادگاه محلی که متهم دستگیر شود به عمل خواهد آمد.

۱۷- رسیدگی به جرائم ارتكابی در هواپیماهای جنگی در صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم است. (شمس ناتری، پیشین، ص ۳۷)

۱۸- درباره جرائم ارتكابی در کشورهای اشغالی بیشتر حقوقدانان بر این باورند که باید حسب مورد، صلاحیت بین کشور اشغالگر و اشغال شونده تقسیم شود؛ به این ترتیب که، اگر جرم ارتكابی موجب ورود خسارت به نیروهای اشغالگر شود، رسیدگی به آن در صلاحیت مراجع قضایی کشور اشغالگر است و در غیر این صورت یعنی اگر جرم متضمن صدمه و آسیب برای کشور اشغال شده باشد محاکم کشور اشغال شده صلاحیت رسیدگی دارد. (دکتر قدرت الله واحدی، رسیدگی به جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغال شده، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵)

۱۹- اصل صلاحیت سرزمینی را به نوبه خود به دو نوع تقسیم کرده‌اند: اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی که به آن، نظریه عناصر متشکله هم می‌گویند و اصل صلاحیت سرزمینی شخصی یا موردی که به آن، نظریه آثار هم می‌گویند. مطابق اصل اول، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که تمام یا بخشی از آن جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت- اعم از زمینی، دریایی یا هوایی- ارتكاب یافته باشد. مطابق اصل دوم، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که نتیجه یا اثر آن جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت رخ داده باشد. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۶)

۲۰- در حقوق ایران، اصل صلاحیت سرزمینی شخصی در ماده ۳ ق.م.ا و اصل صلاحیت سرزمینی عینی در ماده ۴ پذیرفته شده است. (میر محمدصادقی،

مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲، همین قاعده را پیش‌بینی کرده است. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۹۱، آقایی جنت‌مکان، پیشین، ص ۱۷۳)

۱۵- درباره هواپیماها نیز طبق مقررات بین‌المللی و داخلی کشورها همین حکم جاری است. در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر درون هواپیما ۱۹۶۳ (که دولت ایران در سال ۱۳۵۵ به آن ملحق شده است) به‌عنوان یک اصل، دولت ثبت‌کننده هواپیما را واجد صلاحیت برای رسیدگی به جرائم ارتكابی درون‌هواپیما می‌داند. به موجب ماده ۴ این کنوانسیون: دولت متعاهدی که ثبت‌کننده هواپیما نباشد، نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت کیفری خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید، مگر در موارد مشروحه ذیل: الف- جرم، در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند. ب- جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن، ارتكاب یافته باشد.

پ- جرم امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد. د- جرم، ناقض قواعد یا مقررات جاری آن دولت ناظر بر پرواز یا مانور هواپیما باشد.

ه- اعمال صلاحیت، برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقت‌نامه چندجانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری باشد. (منصورآبادی، پیشین، ص ۱۹۱، شمس ناتری، پیشین)

۱۶- ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ با الهام از ماده یاد شده مقرر داشته است: به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتكاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد.

الف- جرم مغل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد. ب- متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد.

اقدامات و تحقیقات خود را به نحوی انجام دهد که با مأمور دیپلماتیک تماس نداشته باشد و از او بازجویی نشود. اگر مأمور دیپلماتیک در جریان جرم و جنایت فوت شود یا پس از آن فوت کند، این مصونیت ادامه خواهد یافت و دولت پذیرنده نمی‌تواند در مورد شخص متوفی تحقیقات قضایی کرده و قضیه مجرم بودن یا نبودن او را به اثبات برساند. (ذوالعین، پرویز، حقوق دیپلماتیک مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷)

۲۴- بند (د) ماده ۱ کنوانسیون در تعریف مأمور سیاسی مقرر داشته است که «اصطلاح مأمور سیاسی یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلماتیک) هستند». که البته این تعریف نیز کمک چندانی به شناسایی مأمور دیپلماتیک نمی‌کند.

برای شناسایی مأمور دیپلماتیک ابتدا باید اعضای یک مأموریت دیپلماتیک را شناخت.

اعضای نمایندگی دیپلماتیک، شامل رئیس نمایندگی دیپلماتیک و اجزای نمایندگی یعنی کارمندان دیپلماتیک، کارمندان اداری و فنی و کارکنان نمایندگی (خدمه) می‌باشند.

روسای نمایندگی با توجه به ماده ۱۴ کنوانسیون وین خود سه طبقه هستند که طبقه نخست شامل سفیر، نونس (نماینده درجه اول پاپ) و سایر نمایندگان است که هم مقام سفیر می‌باشند.

طبقه دوم شامل فرستادگان، وزیر مختار (که امروزه وجود ندارد) و انتر نونس‌ها (نماینده درجه دوم پاپ) است.

طبقه سوم را نیز کارداران دائم تشکیل می‌دهند. کارمندان دیپلماتیک معمولاً به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- رایزنان
- ۲- دبیران
- ۳- وایس‌تگان

پیشین، ص ۵۸، آقایی جنت مکان، پیشین، ص ۱۸۶)  
 ۲۱- به محض تحقق جرم در ایران، حق مکتسبه‌ای برای قوانین ایران به وجود می‌آید؛ بنابراین اگر مجرم از ایران خارج شود باز هم همچنان صلاحیت قوانین ایران برپاست و دادگاه ایرانی به صورت غیابی رسیدگی کرده و حکم صادر می‌کند و اگر نیاز به حضور متهم باشد در انتظار بازگشت او به سر می‌برد و احیاناً اقدامات لازم را برای استرداد وی انجام می‌دهد. (دکتر عباس زراعت، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، جلد اول، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۶۶)

۲۲- اتهام متهمی که در ایران تحت تعقیب قرار می‌گیرد از نظر نوع جرم، میزان مجازات، مسؤلیت و ... با قوانین ایران تطبیق داده می‌شود؛ بنابراین به قوانین خارجی توجه نمی‌شود. (همان)

۲۳- مصونیت سیاسی از استثنائات وارد بر اصل صلاحیت سرزمینی است. طبق بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱، مأمور دیپلماتیک، در دولت پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است. این بند، مصونیت مأمور دیپلماتیک را به طور عام، مطلق و بدون استثناء بیان می‌کند. با توجه به این بند، مأمور دیپلماتیک تحت هیچ شرایطی و به علت ارتکاب هیچ جرمی قابل تعقیب، محاکمه و مجازات نیست. با قبول مصونیت جزایی برای مأمور دیپلماتیک در کشور پذیرنده، هیچ یک از مأمورین دولتی و مأموران نهادهای مختلف انتظامی و امنیتی حق نخواهد داشت که او را مورد مواخذه قرار دهد، از او به هیچ عنوان نمی‌توان جریمه دریافت کرد، برای او برگ احضاریه صادر نمی‌شود، نمی‌توان او را بازداشت نمود، هیچ مقامی حق بازجویی از او را ندارد، او را به دادگاه نمی‌توان احضار کرد و حتی ابلاغ برگ احضاریه به او ممکن نیست. اگر جرم و جنایتی اتفاق بیفتد که به یک مأمور دیپلماتیک مربوط شود، پلیس یا مأمور قضایی باید

- ۴- دفترداران (در برخی موارد)  
 (بابک فرهی، مختصر آیین دادرسی کیفری،  
 انتشارات طرح نوین، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۹۸)  
 ۲۵- در ایران به موجب ماده ۲۲ قانون امور  
 تشکیلاتی و استخدامی وزارت امور خارجه مصوب  
 ۱۳۴۸/۳/۱۲ اصلاحی ۱۳۵۱/۱۲/۶، مقامات سیاسی  
 وزارت خارجه عبارتند از:  
 ۱- وابسته  
 ۲- دبیر سوم  
 ۳- دبیر دوم  
 ۴- دبیر اول  
 ۵- رایزن درجه سه  
 ۶- رایزن درجه دو  
 ۷- رایزن درجه یک  
 ۸- سفیر

### ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود؛ در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.

در این ماده آمده است مربوط به اجزای عنصر مادی جرم است. منتها عنصر مادی، اجزای زیادی همچون رفتار فیزیکی، موضوع جرم و رابطه سببیت دارد و آنچه در اینجا مورد نظر است و از تقابل آن با نتیجه جرم فهمیده می شود، همان رفتار فیزیکی است. یعنی اگر مقداری از رفتار فیزیکی در ایران رخ داده و مقداری دیگر در خارج از ایران واقع شود، مشمول قوانین ایران خواهد بود. (زراعت، شرح ق.م.ا ج ۱، ص ۹۰)

۵- ماده ۴ در حقیقت دو مورد را به اصل صلاحیت سرزمینی الحاق کرده و آنها را حکم جرائم ارتکاب یافته در داخل ایران، دانسته است. یک مورد، آن است که قسمتی از جرم در ایران رخ دهد و مورد دیگر آن است که نتیجه جرم در ایران واقع شود. حالت دوم که معمولاً در جرائم مقید رخ می دهد ابهام چندانی ندارد مثلاً خارج شدن روح از بدن یا بردن مال در کلاهبرداری. (همان)

۶- درخصوص شروع به جرم، محل ارتکاب جایی است که شروع به جرم در آن رخ داده است. در مورد شریک جرم که در عنصر مادی جرم شرکت داشته و به تعبیر دیگر جرم مستند به عمل

۱- این ماده بیان کننده اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی است که به آن نظریه آثار هم گفته می شود و مطابق آن، دولتی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که نتیجه یا اثر جرم در قلمرو حاکمیت آن دولت رخ داده باشد.

۲- ماده ۴ در مورد جرائم بسیط نظیر جرائم مرکب، مستمر و به عادت وضع حکم کرده است بدین معنا که اگر جرمی دارای اجزایی باشد و بعضاً در ایران انجام شود، قوانین ایران صالح به رسیدگی است. (استاد دکتر آزمایش، زمینه های حقوق جزایی بین المللی در قانونگذاری ایران، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، شماره ۳، سال ۵۶- ص ۱۱۰) و برای دیدن نظر مخالف که معتقد است در ماده ۴ فرقی بین جرائم مطلق و مقید و ساده و مرکب نیست نگاه کنید به (شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۴۰)

۳- منظور از قسمتی از جرم در این ماده قسمتی از عملیات اجرایی جرم است نه عملیات مقدماتی آن. (دکتر ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجلد، چاپ، ۱۳، ۱۳۸۷، ص ۲۱)  
 ۴- تردیدی نیست که عبارت قسمتی از جرم شامل عنصر قانونی و معنوی نیست ... پس دو مصداقی که

جرمی است مستقل که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران اتفاق افتاده است. درست است که معاونت در جرم، مجرمیت خود را از جرم اصلی به عاریت می‌گیرد، اما هیچ‌گاه قسمتی از جرم اصلی که توسط مباشر در ایران اتفاق افتاده به شمار نمی‌آید. (دکتر حسن پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۱۹)

۸- عمل کسانی که از افراد صغیر، مجنون، ناآگاه یا مکره به‌عنوان ابزاری برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند در محلی ارتکاب یافته تلقی می‌شود که محل ارتکاب جرم آن عامل بی‌گناه بوده است. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۹)

۹- محل ارتکاب جرائم مبتنی بر ترک فعل نیز محلی است که مجرم موظف به انجام فعلی در آن محل بوده ولی آن را ترک کرده است. (همان)

۱۰- در مورد سفارتخانه‌ها نیز امروزه پذیرفته شده است که جنبهٔ برون‌مرزی ندارند و اعمالی که در آنجا صورت می‌گیرد در قلمرو دولت پذیرنده اتفاق می‌افتد نه در قلمرو دولت فرستنده، و مجرمینی که در ساختمان هیأت دیپلماتیک پناه می‌گیرند باید به پلیس دولت میزبان تسلیم گردند. (پور بافرانی، پیشین، ص ۳۳، میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۹)

اوست، می‌توان وی را حتی در صورتی که اقدامات خود را در خارج از کشور مرتکب شده باشد، در آن کشور همراه با سایر شرکایی که اقدامات خود را در داخل کشور مرتکب شده‌اند محاکمه کرد. (میر محمدصادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی، ص ۵۹)

۷- در صورتی که جرم اصلی در کشور ایران ولی معاونت آن در خارج از کشور انجام یافته باشد، جرم واقع شده در ایران محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های ایران است. (گلدوزیان،

بایسته‌ها، ص ۲۱۶، محسنی، جزای عمومی، جلد سوم، ص ۱۳۸، شمس ناتری، پیشین، ۳۸) برخی نیز معتقدند که: به نظر می‌رسد محل ارتکاب جرم معاون همان جایی است که وی اقدامات خود را آنجا انجام داده است، مگر آنکه بتوان اثرپذیری مباشر از معاون را به منزلهٔ نتیجهٔ معاونت دانست و به تبع آن معاونی را که مثلاً در خارج از ایران اقدامات خود را انجام داده است به همراه مباشری که در ایران مرتکب جرم شده است، به محاکمه کشید. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۵۹) و نهایتاً سومین گروه از حقوقدانان عقیده دارند: ماده ۴ ق.م.ا.ت.اب چنین تفسیری را ندارد چرا که معاونت در جرم، قسمتی از جرم اصلی اتفاق افتاده در ایران نیست بلکه خود

ماده ۵- هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه،

رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

به جرم بغی یا قیام مسلحانه در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران است. به علاوه ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ یعنی جرم تشکیل یا اداره دستجات توسط نظامیان به منظور براندازی نظام نیز می‌تواند ناظر به این مورد باشد.

۲- اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی کشور جمهوری اسلامی ایران  
مصادیق این قبیل اقدام‌ها که علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران است، در مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ و نیز ماده ۲۸۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ ذکر گردیده است. همچنین ماده ۶۱۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ را نیز که برای ارتکاب جرائم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور ایران است، می‌توان به نوعی ناظر بر این جرم دانست. به علاوه مواد ۱۹ الی ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز ناظر بر این جرم است.

۳- اقدام علیه تمامیت ارضی و استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران این عبارت که در بند الف ماده ۵ ق.م.ا. آمده است یک عبارت کلی است که به نظر می‌رسد همه جرائم علیه امنیت اعم از داخلی و خارجی تحت شمول آن می‌گنجد. (پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۱۵۲)  
دوم- اعتبار کشور

۱- این ماده بیان‌کننده اصل صلاحیت حمایتی یا حفاظتی یا واقعی است.

۲- بر اساس این اصل، دولتی که از جرم ارتکاب یافته در خارج از مرزهای آن از هر حیث متضرر شود می‌تواند مجرم را در مراجع قضایی خود تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۶۹) به عبارت دیگر اصل صلاحیت واقعی عبارت است از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور به خارج از مرزهای آن کشور در مورد جرایمی که علیه منافع اساسی آن کشور است. (دکتر آزمایش، پیشین) اصل صلاحیت واقعی بدین معناست که چنانچه اتباع بیگانه در خارج از کشور، جرایمی را مرتکب شوند که منافع عالی یک دولت را به خطر اندازد، مراجع قضایی آن دولت، می‌توانند آنها را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند. (نجفی توانا و میلکی، ج ۱، ص ۲۰۳)

۳- جرائم موضوع ماده در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول- نظام سیاسی کشور  
جرایمی که مطابق ماده ۵ ق.م.ا. به نظام سیاسی کشور صدمه وارد می‌کنند عبارتند از:

۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران  
مصادیق این جرم در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. این دو ماده مربوط



الف- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران  
 ب- جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت.  
 پ- تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل  
 ۴- با توجه به ماده این ماده برای اعمال اصل صلاحیت واقعی باید شرایط زیر وجود داشته باشد:  
 اول- جرم از جرائم مندرج در ماده ۵ باشد که در شماره قبل به آن‌ها اشاره شد و یا از جرایمی باشد که در قوانین خاص به آنها اشاره شده است. منظور از قوانین خاص قوانینی است که قانونگذار در آن تصریح کرده باشد که بدون توجه به تابعیت مرتکب یا بزه‌دیده یا محل وقوع، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی هستند. برای مثال در بند (ت) ماده ۶۶۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ آمده است که در صورتی که جرم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از هجده سال باشد اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی باشد یا نباشد، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرم را خواهند داشت.  
 دوم- محل وقوع جرم خارج از قلمرو حاکمیت ایران باشد. در این مورد نیز بدیهی است که اگر جرم در قلمرو حاکمیت ایران واقع شده باشد، اصل صلاحیت سرزمینی اعمال خواهد شد و کار به اصل صلاحیت واقعی نمی‌رسد.  
 ۵- برخلاف اصل صلاحیت شخصی، به سبب عدم اعتماد دولت‌ها به اعمال عدالت کیفری درخصوص جرائم علیه منافع حیاتی کشور، به تعقیب و محاکمه انجام شده در کشور محل وقوع جرم اکتفا نکرده و قاعده‌ی منع محاکمه مجدد را در این موارد لحاظ نمی‌نمایند ولی در صورت محاکمه مجدد، قاعده منع مجازات مضاعف را بعضاً رعایت می‌نمایند. (شمس ناتری، پیشین، ص ۴۳) یعنی محاکمه شدن مرتکب

دسته دوم از منافی که قانونگذار در ماده ۵ ق.م.ا به حمایت از آنها پرداخته است مربوط به حفظ حیثیت و اعتبار کشور است. (همان) اعمال مورد نظر مقنن در این مبحث کلاً از جرائم جعل و استفاده از سند مجعول هستند. (دکتر آزمایش، زمینه‌های حقوق جزایی بین‌المللی در قانونگذاری ایران، پیشین، ص ۱۲۸)  
 مصادیق این جرائم طبق ماده ۵ عبارتند از:  
 الف- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن  
 این جرم همان است که در ماده ۵۲۴ ق.م.ا تعزیرات پیش‌بینی شده است و برخلاف بند بعدی اشاره‌ای به رسمی بودن حکم یا فرمان یا دستخط نشده است.  
 ب- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، ریاست کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها این جرائم نیز در ماده ۵۲۴ و بند ۱ ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات پیش‌بینی شده است.  
 پ- جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.  
 این بند نیز در قوانین سابق وجود نداشت و برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است و ظاهراً دلیل پیش‌بینی آن سوءاستفاده‌هایی بود که برخی افراد سودجو از احکام جعلی برای دریافت اقامت کشورهای بیگانه می‌کردند.  
 سوم- نظام اقتصادی کشور  
 جرائم موضوع این بند نیز در بند (ث) ماده ۵ پیش‌بینی شده است. بند (ث) به سه دسته از جرائم اشاره کرده است که عبارتند از:

شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۴۴)  
 ۷- قانون‌گذار در این ماده تأکید کرده است که حتی اگر مرتکب جرم، ایرانی باشد و علیه مصالح عالی کشور در خارج از ایران مرتکب جرمی شود بر اساس قانون ایران و در دادگاه‌های ایران، تعقیب می‌شود. شاید در بدو امر چنین به نظر آید که این تأکید، فایده عملی ندارد زیرا این اشخاص بر اساس اصل صلاحیت شخصی مثبت در هر حال مشمول قوانین ایران هستند. اما باید توجه داشت که ماده خصوصاتی دارد در که سایر موارد از جمله صلاحیت شخصی وجود ندارد از جمله اینکه شرط یافت شدن یا استرداد متهم در آن موارد وجود دارد اما در اینجا هیچ شرطی بیان نشده است، بلکه مجرم در هر حال مشمول قوانین ایران می‌باشد حتی اگر به ایران مسترد نگردد. (زراعت، پیشین، ص ۹۷)

برای این جرائم مذکور در ماده ۵ در کشور محل ارتکاب یا هر کشور خارجی دیگر مانع رسیدگی محاکم ایرانی نمی‌شود بلکه، بنا به تصریح ماده ۵، در این گونه موارد صرفاً دادگاه ایران در تعیین مجازات تعزیری میزان محکومیت اجرا شده را احتساب خواهد کرد. بدیهی است، احتساب محکومیت در صورتی که جرم طبق قوانین ایران مستوجب حد یا قصاص باشد منتفی است. (میر محمد صادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی، ص ۷۲)

۶- با توجه به اهمیت جرائم ارتكابی، قانون‌گذار محاکمه غیابی متهم حتی بدون حضور او در ایران را نیز ممکن دانسته است. (همان) یعنی شرط اعمال اصل صلاحیت واقعی یافت شدن متهم در ایران یا مسترد کردن او به ایران نیست. (آقای جنت‌مکان، ج ۱، ص ۱۸۵، زراعت، شرح ق.م.ا ج ۱، ص ۹۳،

**ماده ۶- به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیر ایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.**

مجازات مرتکبان آنها را لازم می‌شمارد، در حالی که جرائم مورد نظر در ماده ۶ اصولاً این ویژگی را ندارند و به دلیل چنین خصوصیتی موجب اعلام صلاحیت دادگاه‌های ایران نشده‌اند. اما دو اصلی که بیش از سایر اصول ممکن است در انشاء این ماده مورد توجه قانونگذار بوده باشد، اصل صلاحیت واقعی و اصل صلاحیت شخصی است. (خالقی، جستارهایی در حقوق جزای بین‌الملل، ص ۶۶)  
 ۲- در مورد آن دسته از اشخاص مذکور در ماده ۶ که دارای تابعیت ایرانی هستند، می‌توان ابراز عقیده نمود که حکم به صلاحیت قضایی ایران مبتنی بر اصل صلاحیت شخصی است. در مورد اتباع بیگانه و همچنین مستخدمین خارجی که استثنائاً به استخدام

۱- ماده ۶ ق.م.ا ترکیبی از صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی است و ملاک صلاحیت در این مورد رابطه خدمتی است نه تابعیت و نوع جرم ارتكابی. (دکتر آزمایش، پیشین، ص ۱۳۲) بی‌تردید صلاحیت پیش‌بینی شده در ماده ۶ ق.م.ا بر پایه اصل صلاحیت سرزمینی توجیه پذیر نیست زیرا این اصل ناظر به جرائم ارتكابی در داخل کشور است و حال آنکه مفروض این است که جرائم اشخاص مورد بحث در ماده ۶ در خارج از کشور واقع می‌گردد. الهام از اصل صلاحیت جهانی نیز در این ماده منتفی است زیرا جرائم مشمول این اصل اصولاً جرایمی هستند که به دلیل لطمه‌ای که به نظم عمومی بین‌المللی می‌زنند، حقوق جزای بین‌الملل تعقیب و

وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها یا مؤسسات دولتی به خدمت دولت پذیرفته شده است و ممکن است رسمی باشد یا پیمانی، و به تصریح ماده ایرانی یا بیگانه بودن آنها مهم نیست.

۶- شرط مزبور یعنی مستخدم دولت بودن نیز باید در زمان ارتکاب جرم موجود باشد، نه در زمان رسیدگی و محاکمه و آنچه که در تعیین تاریخ اتصاف به این وصف مورد توجه قرار می‌گیرد، تاریخ مندرج در حکم استخدای است نه تاریخ ابلاغ حکم به مستخدم. (همان، ص ۵۵)

۷- نوع خدمت، دائمی یا موقتی بودن آن و نوع جرم تأثیری در این صلاحیت ندارد اما جرم باید در حین خدمت باشد و ظاهراً لازم نیست که عمل ارتكابی در کشور محل وقوع نیز جرم باشد. (زراعت، پیشین، ص ۱۰۴)

۸- در مورد مأموران سیاسی، کنسولی و فرهنگی لازم است که عمل علاوه بر قانون ایران، به موجب قانون کشور محل وقوع هم جرم باشد، زیرا تصریح انتهای ماده به اینکه این افراد از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند، و در نتیجه مصونیت آنها از تعقیب جزایی در کشور محل اقامت آنها، فرع بر این است که اساساً عمل مجرمانه‌ای در محل مأموریت مرتکب شده باشند که آنها از تعقیب کیفری مصون بمانند. بنابراین در صورتی که عمل مأموران یادشده بر طبق قوانین دولت پذیرنده جرم نباشد، سخن گفتن از مصونیت بی‌معنا خواهد بود. (خالقی، پیشین، ص ۶۴)

۹- اگر مأمور دولت که در خارج ایران مرتکب جرم شده از مصونیت استفاده کرده و مجازات نشده باشد در ایران قابل مجازات است و اگر از مصونیت استفاده نکرده و در خارج مرتکب جرم شده، دیگر در ایران قابل مجازات نیست. (دکتر آزمایش، پیشین، ص ۱۲۴)

دولت ایران درآمده باشند انطباق حکم، با اصل صلاحیت شخصی مثبت اندکی دشوار می‌نماید.

در مورد این دسته از افراد، اصل صلاحیت شخصی در معنای اخص آن نمی‌تواند مجد صلاحیت تقنینی و قضایی ایران گردد زیرا این اشخاص در هنگام ارتکاب جرم فاقد تابعیت ایرانی هستند و اصل مذکور ناظر بر مرتکبین ایرانی است. در مورد این بخش از ماده می‌توان گفت که در واقع، یک نوع صلاحیت شخصی تغییر یافته، که از رابطه تابعیت میان مرتکب و دولت متبوع او صرف‌نظر کرده و به رابطه شغلی میان مرتکب و دولت مدعی صلاحیت تعلق گرفته، مبنای حکم قانونگذار واقع شده است. (همان)

۳- شاید چنین به نظر آید که ذکر شق نخست این ماده با توجه به اطلاق ماده ۷ ق.م.ا که شامل هر فرد ایرانی اعم از مستخدم دولت و غیر مستخدم دولت و به نوبه خود اعم از به مناسبت شغل و غیر آن می‌شود، کاری حشو و زائد است. این تصور درست نیست؛ چرا که اصل صلاحیت شخصی مدنظر ماده ۷ مشروط به شرایط حضور مجرم در ایران و عدم محاکمه قبلی اوست؛ درحالی که در ماده ۶، این شروط وجود ندارد. (پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۷۴) اداره حقوقی قوه قضاییه برخلاف این نظر معتقد است که: رسیدگی به جرائم موضوع ماده ۶ ق.م.ا ... مشروط به حضور مرتکب در ایران خواهد بود؛ بنابراین، هیچ‌گونه مستندی برای رسیدگی و محاکمه اتباع بیگانه و یا ایرانی که در خارج از کشور مرتکب جرم می‌شوند و در ایران حضور ندارند موجود نیست. (نظریه ۷/۱۲۴۹-۱۳۸۶/۳/۱)

۴- به‌طور کلی دو دسته از اشخاص مورد حکم ماده ۶ ق.م.ا قرار گرفته‌اند. این افراد عبارتند از: مستخدمان دولت و مأموران سیاسی. (خالقی، پیشین، ص ۵۲)

۵- مستخدم دولت کسی است که در یکی از

ماده ۷- علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف- رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران، جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

جمهوری اسلامی ایران باشد.  
 ۳-۳: عمل ارتكابی طبق قوانین ایران جرم باشد.  
 ۳-۴: مرتکب جرم در ایران یافت شده یا به ایران اعاده گردد. فرق این دو مورد در اختیاری و اجباری بودن آنهاست؛ یعنی یافت شدن اختیاری و اعاده کردن اجباری است.  
 ۳-۵: در تعزیرات غیرمنصوص شرعی، مرتکب در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.  
 ۳-۶: طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.  
 ۴- با توجه به ذکر عبارت جرائم مستوجب تعزیر در ماده ۷ و نیز با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا که تعزیرات منصوص شرعی را از شمول ماده ۷ ق.م.ا خارج دانسته است؛ باید گفت در جرائم مستوجب حد و قصاص و دیه و نیز جرائم مستوجب تعزیرات منصوص شرعی، هرگاه مرتکب در محل وقوع جرم محاکمه و مجازات هم شده باشد، مجدداً در ایران محاکمه و مجازات می‌شود. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۶۴، شمس ناتری، ق.م.ا در نظم، ص ۴۹، پور بافرانی، پیشین، ص ۷۱)

۱- این ماده بیان‌کننده اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت یا مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم است.  
 ۲- اصل صلاحیت شخصی فعال عبارت است از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به اتباع آن کشور که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب جرم شده‌اند. (پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۴۴) به عبارت دیگر اصل صلاحیت شخصی فعال به معنی آن است که دولت متبوع می‌تواند تبعه خود را به دلیل ارتكاب جرم در هر نقطه از دنیا به محاکمه بکشد. (میر محمدصادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی، ص ۶۰)  
 ۳- برای اعمال صلاحیت شخصی فعال، طبق ماده ۷ باید شرایط زیر موجود باشد:  
 ۳-۱: مرتکب باید تبعه ایران باشد و تابعیت در زمان ارتكاب جرم مناط اعتبار است. (دکتر آزمایش، پیشین، ص ۱۳۳) و کسب تابعیت بعدی برای اعمال این اصل کفایت نمی‌کند. (میر محمدصادقی، پیشین، ص ۶۳) همچنین اگر مجرم پس از ارتكاب جرم تابعیت ایران را ترک نماید این امر مانع از محاکمه او در ایران نخواهد شد. (نظریه ۷/۸۰۷۳-۱۳۸۲/۱۰/۹ ح)  
 ۳-۲: محل وقوع جرم خارج از قلمرو حاکمیت

در این صورت نیز دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به اتهام او را ندارند.

۲-۳: در خارج از کشور محاکمه شده و قسمتی از مجازات را تحمل کرده باشد:

در این صورت نیز دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارند.

۲-۴: در خارج از کشور محاکمه و محکوم شده و مجازات اصلاً دربارهٔ او اجرا نشده باشد:

در این صورت دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارند. [مشروط بر اینکه طبق قوانین ایران جهتی برای منع یا موقوفی تعقیب یا سقوط مجازات حادث نشده باشد]. (شمس ناتری، پیشین، ص ۵۰، برای دیدن نظر موافق در مورد اینکه اگر بخشی از مجازات هم در خارج از کشور اجرا شده باشد؛ مرتکب دیگر در ایران قابل مجازات نیست نگاه کنید به زراعت، پیشین، ص ۱۲۵ و برای دیدن نظر مخالف که معتقد است در این مورد مرتکب مجدداً در ایران محاکمه خواهد شد و دادگاه می‌تواند به استناد ماده ۳۸ ق.م.ا مجازات او را تخفیف دهد نگاه کنید به پور بافرانی، پیشین، ص ۷۱)

۲-۵: مرتکب اصلاً در خارج از کشور محاکمه نشده است:

در این حالت مرتکب در ایران قابل محاکمه و مجازات است.

۵- تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده است، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به‌طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر شده است ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود. (نظریه ۱۳۹۲/۱۱/۹-۷/۹۲/۲۱۴۹ ح.)

۶- این ماده را می‌توان این‌گونه تجزیه کرد که اگر جرمی در خارج از کشور توسط یک ایرانی اتفاق افتاده باشد، دو حالت متصور است:

۱- جرم این شخص از جرائم تعزیری منصوص شرعی، حدود و قصاص و دیات است:

در این صورت [دادگاه‌های] ایران مطلقاً صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارند؛ هرچند که این شخص در خارج از کشور محاکمه شده و تمام مجازاتش را نیز متحمل شده باشد.

۲- جرم این شخص از تعزیرات غیر منصوص شرعی است که در این صورت ۵ حالت متصور است:

۱-۲: در خارج از کشور محاکمه شده و تبرئه شده است:

در این صورت دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارند.

۲-۲: در خارج از کشور محاکمه شده و محکوم شده و تمام مجازات را تحمل کرده باشد:

ماده ۸- هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً دربارهٔ او اجراء نشده باشد.

## ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته جرائم علیه منافع عالی کشور است که مشمول ماده ۵ ق.م.ا است و بدون هیچ شرطی بر اساس قوانین ایران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. دسته دیگر جرائم عادی است که مشمول این ماده بوده و قوانین ایران در صورتی صلاحیت پیدا می‌کنند که شرایط مذکور در ماده ۸ فراهم باشد.

۵- همانند آنچه در مورد ماده قبل گفته شد چنانچه جرم ارتكابی در خارج از کشور از جرائم مستوجب حد و قصاص و دیه و تعزیرات منصوص شرعی باشد، مرتکب با وجود مجازات شدن در خارج از کشور، باز هم در ایران محاکمه و مجازات می‌شود.

۶- شرط مندرج در بند پ ماده ۷ (طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد) در این ماده ذکر نشده است. حال در مورد این شرط، چند احتمال وجود دارد. یک احتمال که موجه‌تر است آن است که این شرط مبتنی بر قواعد و اصول حقوقی است و نیازی به تصریح ندارد، پس اگر ماده ۷ نیز این شرط را بیان نمی‌کرد، خود به خود اعمال می‌گردید و در اینجا هم باید اعمال گردد، زیرا چگونه ممکن است عملی که بر اساس قانون ایران، قابل تعقیب نیست، مورد تعقیب قرار گیرد (زراعت، شرح ق.م.ا ج ۱، ص ۱۲۸) در تأیید این نظر برخی از حقوقدانان معتقدند که اساساً شرط مندرج در بند (پ) ماده ۷ زائد است؛ چون دادگاه‌های کیفری ایران نیز مثل دادگاه‌های هر کشور دیگری صرفاً به قانون کیفری خود عمل می‌کنند؛ مثلاً برای تعقیب جرائم قابل گذشت، نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارند. در غیر این صورت

۱- این ماده بیان‌کننده اصل صلاحیت شخصی منفعل یا منفی یا مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده است.

۲- اصل صلاحیت شخصی منفعل یا مبتنی بر تابعیت معنی علیه عبارت است از صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک دولت نسبت به جرائم ارتكابی در خارج علیه یکی از اتباع آن دولت. (خالقی، جستارهایی در حقوق جزای بین‌الملل، ص ۷۹) به عبارت دیگر اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت

معنی علیه به معنای گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور، علیه اتباع آن کشور ارتکاب می‌یابد. (پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۹۱)

۳- برای اعمال اصل صلاحیت شخصی منفی باید شرایط زیر وجود داشته باشد:

۳-۱- مرتکب جرم در زمان ارتکاب جرم تبعه بیگانه باشد.

۳-۲- محل وقوع جرم خارج از قلمرو حاکمیت ایران باشد.

۳-۳- بزه دیده در زمان ارتکاب جرم تبعه ایران یا جرم علیه کشور ایران باشد و کسب تابعیت بعدی ملاک نیست.

۳-۴- متهم در جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً دوباره او اجرا نشده باشد.

۳-۵- رفتار ارتكابی به موجب قانون ایران و کشور محل وقوع - هر دو - جرم باشد.

۳-۶- مرتکب در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد.

۴- جرائم علیه ایران از منظر شمول قوانین کیفری

۳-۲: در خارج از کشور محاکمه شده و قسمتی از مجازات را تحمل کرده باشد:

در این صورت نیز دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارند. ۴-۲: در خارج از کشور محاکمه و محکوم شده و مجازات اصلاً درباره او اجرا نشده باشد:

در این صورت دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارند مشروط بر اینکه طبق قوانین ایران جهتی برای منع یا موقوفی تعقیب یا سقوط مجازات حادث نشده باشد.

۵-۲: مرتکب اصلاً در کشور محل وقوع محاکمه نشده است:

در این حالت مرتکب در ایران قابل مجازات است.

۸- چنانچه بزه عملی در خارج از ایران ارتکاب یافته باشد، دادگاه ایران صالح به رسیدگی نمی‌باشد. (نظریه ۷/۱۱۰۷۱-۷/۱۱۲۸/۱۱/۱۳۸۱.ح)

۹- برای دیدن توضیحات بیشتر درخصوص معنا و مفهوم تعزیرات منصوص شرعی به ماده ۱۸ رجوع شود.

حق تعقیب ندارند. (پور بافرانی، پیشین، ص ۷۲)  
۷- این ماده را می‌توان این‌گونه تجزیه کرد که اگر جرمی در خارج از کشور علیه یکی از اتباع ایران اتفاق افتاده باشد، دو حالت متصور است:

۱- جرم این شخص از جرائم تعزیری منصوص شرعی، حدود و قصاص و دیات است:

در این صورت دادگاه‌های ایران مطلقاً صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارند؛ هرچند که این شخص در خارج از کشور محاکمه شده و تمام مجازاتش را نیز متحمل شده باشد.

۲- جرم این شخص از تعزیرات غیرمنصوص شرعی است که در این صورت ۴ حالت متصور است:

۱-۲: در خارج از کشور محاکمه شده و تبرئه شده است:

در این صورت دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارند.

۲-۲: در خارج از کشور محاکمه شده و محکوم شده و تمام مجازات را تحمل کرده باشد:

در این صورت نیز دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به اتهام او را ندارند.

**ماده ۹- مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.**

هر دولتی می‌تواند در مورد جرایمی که داخل در شمول صلاحیت جهانی است اعمال اختیار کند.

۲- اصل صلاحیت جهانی عبارت است از توسعه صلاحیت اعمال قوانین کیفری یک کشور در رسیدگی به جرائم بین‌المللی، در جایی که مجرم موضوع آن براساس هیچ کدام از اصول صلاحیتی دیگر (سرزمینی، شخصی، مبتنی بر تابعیت مجنی علیه و واقعی) قابل تعقیب توسط دادگاه‌های آن کشور

۱- این ماده بیان‌کننده، اصل صلاحیت جهانی یا همگانی یا بین‌المللی است. چهار نوع صلاحیت که در بالا مورد بررسی قرار گرفت مستلزم وجود نوعی ارتباط یا رابطه با دولت تعقیب‌کننده خواه این ارتباط مبتنی بر سرزمین یعنی محل وقوع جرم، تابعیت مرتکب یا قربانی یا متضمن تهدید علیه منافع دولت مربوطه است. اجرای صلاحیت جهانی در خصوص یک بزه معین؛ مستلزم وجود چنین ارتباطی نبوده و

نباشد. (پور بافرانی، حقوق جزای بین‌الملل، ص ۱۶۷) در واقع، این صلاحیت آنگاه جهانی است که دادگاه داخلی بدون در نظر داشتن معیارهای معمول وارد رسیدگی به این جرائم شود. یعنی دادگاه برای رسیدگی به این نوع جرائم معیارهایی چون تابعیت مجرم یا مجنی‌علیه، محل ارتکاب جرم و یا لطمه به امنیت کشور متبوع را در نظر نمی‌گیرد و بدین ترتیب صلاحیت خود را به این جرائم که خارج از کشور واقع شده‌اند اعمال می‌کند. (دکتر امیرحسین رنجبریان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)

۳- صلاحیت جهانی را به دو نوع مشروط یا محدود و نامحدود تقسیم کرده‌اند. در صلاحیت نخست باید بین دادگاه و جرم ارتكابی، رابطه‌ای مانند حضور متهم در سرزمین دادگاه رسیدگی کننده وجود داشته باشد (زراعت، شرح ق.م.ا ج ۱، ص ۱۳۸) و در نوع

دوم اعمال صلاحیت جهانی مقید و محدود به هیچ شرطی نمی‌شود.

۴- در این ماده سه شرط اساسی برای محاکمه و مجازات متهم در ایران لازم است. نخست اینکه: قانون خاص یا عهدنامه بین‌المللی چنین اجازه‌ای را داده باشد.

دوم: دستگیری مرتکب در ایران

سوم: عمل طبق قانون ایران جرم باشد، چه، عبارت طبق قوانین ایران مجازات خواهد شد، مفید همین معناست. (دکتر فضل‌الله فروغی، فصل‌نامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره اول شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۸)

۵- منظور از قانون خاص در این ماده همان قانونی است که به موجب آن مجلس شورای اسلامی، مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی عهدنامه‌های بین‌المللی را به تصویب می‌رساند. (همان، ص ۱۹۲)